کار _ نان _ آزادی
حکومت شورائی

کار

کارگران سراسر جهان
متحد شوید!

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اقلیت)

سال هیجدهم _ مهر ۷۵

شماره ۲۹۴

پی آمد تحولات افغانستان

سقوط کابل وتسلط گروه طالبان برمرکز فرمانروائی دستجات وابسته به ربانی وحکمتیار، مهمترین تحول اوضاع افغانستان پس ازسقوط نجیب الله است .

این رویدادصرفا یک پیروزی نظامی برای این گروه نیست ، بلکه یک پیروزی سیاسی وایجاد تغییری اساسی درموازنه نیروهای درگیر درجنگ داخلی افغانستان محسوب میگردد. لذا دارای پی آمدهای جدی برای مردم افغانستان ومنطقه است. پیش ازآنکه به این مسئله پرداخته شود، مقدمتاباید دید که پیدایش یک شبه این گروه وپیروزی های برق آسای آن که درمدتی کوتاه بخش اعظم افغانستان رابه تصرف خوددرآورد ازچه روامکانپذیرشدونقش عوامل داخلی وخارجی دراین میان چه بود؟

برغم تحلیل هائی که دربه قدرت رسیدن این گروه نقش عامل خارجی رابرجسته میکند، آنچه نقش تعین کننده درقدرت گیری این گروه فوق ارتجاعی داشته است ، همانا عوامل داخلی است .

پس از سقوط حکومت نجیب الله ، دستجات مسلح اسلامی که هریک بخشی ازافغانستان راتحت سیطره خودگرفته بودندبه علت مجموعه ای ازتضادهای اجتماعی وسیاسی، منافع وکشمکش های طبقاتی ، قومی، عشیرتی، مذهبی و...نتوانستندبه توافق برسندویک حکومت مرکزی واحد رادر افغانستان تشکیل دهند. مخاصمات ودرگیریهای نظامی میان این دستجات افزایش یافت وهرگروه ودسته ای دربخشی ازافغانستان به اعمال حاکمیت پرداخت. دراین اوضاع، جنگ وکشتارووبرانی ادامه یافت ودرجریان این کشمکش ها همه جناح های رقیب تضعیف شده وتحلیل رفتند. امااین تنهایک جنبه مسئله بود، جنبه دیگرقضیه این بودکه مردم افغانستان به مرورازعموم این دستجات جداشده وازادامه جنگ وخونریزی به ستوه آمدند.

صفحه۲

از چپ ناظر تا چپ اثر گذار !

جمهوری اسلامی بایك بحران عمیق اقتصادی-سیاسی دست بگریبان است . اوضاع اقتصادی ومالی روزبروزوخیم ترمیشود. کوشش چندین ساله رژیم برای برون رفت ازبحران بجائی نرسیده وسیاست های آن درتمامی عرصه هاباشکست وناکامی روبروشده است . تحت چنین شرایطی دامنه نارضایتی توده ای نیز دائما افزایش یافته است . مجموعه اوضاع ازیك سو اوج گیری جنبش کارگری واعتراض توده ای رانوید میدهد ، واز دیگرسو برناتوانی رژیم درمهاراین مبارزه وناتوانی درحفظ وتداوم وضعیت موجود دلالت میکند.

همین شرایط وچشم انداز متحول است که جناحهای مختلف بورژوازی راجهت ارائه بدیل حکومت اسلامی به تکاپو انداخته است. بلااستثناءچنین تحرکی رادرتمامی لایه هاوطیف های بورژوازی ازسلطنت طلب گرفته تامجاهد و جمهوریخواه که ازحمایت های مادی ، سیاسی وتبلیغاتی بورژواوی جهانی نیز برخوردارندمیتوان مشاهده کرد. گرایش های مختلف بورژوازی که به هم نزدیك ترنددرتدارك اتحاد صفوف خودوایجاد تشکیلاتی نیرومندتر برآمده اند. دریك کلام

صفحه۳

تورم ، افسارگسیخته به پیش می تازد ۴

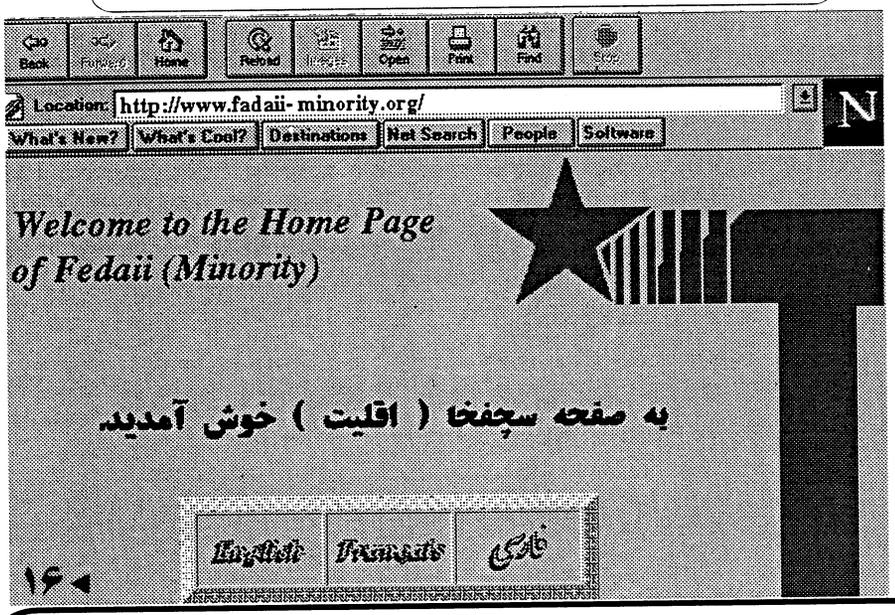

۱۶ ◄

خط قرمز های نظام ومساله آزادی ها — صفحه ۵
تقویت نیروی نظامی آمریکا در منطقه خلیج فارس وعواقب آن — صفحه ٦
اطلاعیه سازمان — صفحه ۹
اخباری از ایران — صفحه ۱۰
اخبار کارگری جهان — صفحه ۱۲
یادداشتهای سیاسی — صفحه ۱٦
گزیده ای از نامه های رسیده — صفحه ۱۳
کمکهای مالی رسیده — صفحه ۱۵
تاریخ مختصر جنبش بین المللی کارگری ۱۷ — صفحه ۷

پی آمد تحولات افغانستان

واقعیت امراین بودکه ازهمان بدوبه قدرت رسیدن دستجات رنگانگ اسلامی درافغانستان ، آنهاهیچگاه نتوانستندحمایت بخش قابل ملاحظه ای ازتوده زحمتکش مردم راکه ازقبل به ماهیت این دستجات پی برده بودندبه دست آورند، لذا آنهاتنهابه حمایت بخشی ازمردم ناآگاه ومتوهم مذهبی ونیز نیروی مسلح خودمتکی بودند، اماهمین بخش ازمردم ناآگاه نیز که درآغاز ازایـن دستجـات حمـایـت میکـردنـد، خواستاربرقراری صلح وآرامش وبهبودوضعیت خودبودند. وازآنجائیکه این خواست مردم تحقق نیافت ، آنهانیز ازاین دستجات مسلح روی برتافتند. آنچه درصحنه باقی ماند، چندین دسته وگروه مسلح جداازمردم بودکه به جنگ بـایکـدیگـرادامـه دادنـدوروزگـارمـردم سیـه روزافغانستان راسیه روزترکردند. مردم جانشان ازادامه جنگ وکشتار، فلاکت وبدبختی به لب رسیده بود، امادستجات مسلح مرتجع، همچنان بـه جنـگ وکشتـاروخونـریـزی ادامـه دادنـد. دیگرکسی توهمی واعتمادی به هیچیک ازاین دستجات نداشت. اکثریت عظیم مردم افغانستان مخالف این دستجات شدند. این شرایط تحولی نوین دراوضاع ونیرونی نوین راکه شعاراصلی ومحوری خودراصلح وآرامش قراردهد، میطلبید. دراوضاع افغانستان که نیروهای مولد درجریان یـک جنگ داخلی طولانی مدت ویران شده بودند، طبقه کارگردرجریان این جنگ آسیب های فراوانی دیده بوده سازمانهای سیاسی انقلابی ومترقی سرکوب ونابودشده وبالاخره توده وسیع زحمتکش خسته وفرسوده بودند، تحول اوضاع به شیوه انقلابی امکان پذیرنبود. آنچه که باقی میماند، تحول دراوضاع به شیوه ای ارتجاعـی بـود. گروهـی ازمـرتجعیـن اسلام گراباشعاربرقراری صلح وآرامش وبرانداختن همه دستجات مسلح درگیر، وارد میدان شدند. این شعارمیتوانست درمیان مردم افغانستان انعکاس وسیعی داشته باشد. رازپیروزیهاوبقدرت رسیدن جنبش طالبان دراین شرایط داخلی قرارداشت ونه حرکت گروهی ازطلاب موردحمایت پاکستان ازمدارس مذهبی این کشور. اگردراین میان عـامـل خارجی نیز میتواند نقش پیداکند، بربستراوضاع داخلی است، روشن است که گروه طالبان باحمایت وپشتیبانی همه جانبه پاکستان ، کمک های مالی عربستان وحمایت ضمنی دولت آمریکا جنبش خودراپیش بردوازنظرمادی وتسلیحاتی ولذا سازماندهی وبسیج نیروهای مسلح مـزدوربـامشکـلی روبـرونبـوده وازایـن نظربردستجات حاکم برتری پیداکرد، معهذا تعیین کننده همان وضعیت داخلی افغانستان بود.

بادرنظرگرفتن این مجموعه عوامل است که گروه طالبان توانست درمدتی کوتاه بربخش وسیعی ازافغانستان مسلط گرددوسرانجام کابل رانیزبه تصرف درآورد.

با این پیروزی، اکنون چنین بنظر میرسد که توازن قوا بشکلی قطعی به نفع طالبان برهم خورده است ودستجات مسلح دیگر که از حدود ۸۰ درصد خاک افغانستان رانده شده اند، دیگر در موقعیتی نیستند که بتوانند با طالبان مقابله کنند. قدرتمند ترین این گروههای مسلح اکنون گروه ژنرال دوستم است، که پیشنهاد برقراری صلح وسازش به طالبان را داده است. اما گروه طالبان سرسخت تر از آن است که بخواهد امتیازی به کسی بدهد. آنها مسلمانان مرتجعی هستند همانند خمینی در ایران که هیچ گروه مخالفی را تحمل نخواهند کرد. تازه اگر سازشی هم بکنند برای نابود کردن دستجات دیگر است. درنهایت گروههای مسلح مخالف کاری که بتوانند بکنند روی آوری به عملیات چریکی ایزانی است که تغییر چندانی در اوضاع نخواهد داد.

اما مردم افغانستان چه خواهند کرد؟ همانگونه که گفته شد یکی از علل به قدرت رسیدن طالبان در افغانستان این است که مردم در صحنه حضور ندارند. آنها خسته وفرسوده اند واز این رو نمیتوانند در لحظه کنونی با توجه به ماهیت ارتجاعی همه دستجات مسلح، نقشی ایفا کنند.

دراین مسئله جای تردیدی نیست که جنبش طالبان با تمایلات شدیدا قشری مذهبی وعقب ماندگی قرون وسطائی نه تنها رسالتی در بهبود اوضاع اقتصادی جامعه وبهبود وضعیت معیشتی مردم، ندارد بلکه بالعکس با دیدگاههای فوق ارتجاعی، وفشارهای سیاسی واجتماعی، وضعیت مردم راوخیم تر خواهد ساخت. این گروه از همان فردای تسلط اش برکابل یکرشته اقدامات ارتجاعی ضد بشری را به مورد اجرا گذاشت، زنان را از حق کار وتحصیل محروم ساخت، فرمان داد که زنان دیگر برسرکار حاضر نشوند. مدارس دخترانه را بست. مقررات شدید وغلیظ حجاب اجباری را به مرحله اجرا درآورد. بساط شکنجه وشلاق را درخیابانها دائر کرد وچوبهای دار را در خیابانهای کابل بالابرد. . . واین هنوز بخشی از اقدامات طالبان است. معهذا نمیتوان در وضعیت کنونی، انتظار داشت که توده مردم به فوریت دست به اقدامی علیه این گروه بزنند. اولا- در لحظه کنونی آنچه که برای مردم افغانستان که درجریان حدود ۱۵ سال جنگ داخلی جانشان به لب رسیده است، حائز اهمیت جدی میباشد، پایان جنگ وبرقراری آرامش است. گروهی از این مردم نیز تصور میکنند که با پایان یافتن جنگ داخلی وبرقراری آرامش ، اوضاع اقتصادی بهبود خواهد یافت واز وضعیت فلاکت بار موجود اندکی رهائی خواهند یافت. لذا انتظار یک حرکت توده ای فوری در برابر سیاستهای ارتجاعی طالبان بعید بنظر میرسد. این راهم باید مد نظر داشت که اقدامات ارتجاعی طالبان ادامه وتکمیل اقدامات ارتجاعی دستجات اسلامی پیشین است ونه چیزی کیفا متفاوت از آنچه که تاکنون وجود داشته است. ثانیا- مردمی که از جنگ خسته شده وبه انفعال سیاسی روی آورده اند، در وضعیتی قرار ندارند که بتوانند دست به یک مقابله جدی با اقدامات طالبان بزنند. لذا بنظر میرسد که طالبان بتواند برای مدتی هم که شده موقعیت خود را مستحکم سازد ویک حکومت اسلامی به سبک جمهوری اسلامی ایران وعربستان سعودی در سراسر افغانستان برقرار سازد. اما تسلط طالبان برافغانستان، گذشته از نتایج وپی آمد های داخلی، عواقب ونتایج منطقه ای نیز دربر خواهد داشت . با به قدرت رسیدن طالبان در کابل، جمهوری اسلامی به شدت نگران شده است واز هم اکنون جنگ تبلیغاتی آغاز شده است . جمهوری اسلامی در تبلیغات خود طالبان را دست نشانده آمریکا واقدامات ارتجاعی آن را برای بی اعتبار کردن اسلام معرفی میکند. دراینکه آمریکامستقیم وغیر مستقیم از گروه طالبان حمایت میکند، بحثی نیست، اما این که طالبان اقداماتش چیزی متمایز از تعالیم اسلام معرفی شود، حرف بی ربطی است. درحقیقت طالبان همان اقداماتی را به مرحله اجرا درآورده که جمهوری اسلامی عملی کرده است وایضا آن بخشی از اقداماتی که جمهوری اسلامی حاکم برایران خواست عملی سازد، اما مقاومت مردم به این رژیم اجازه آنرا نداد، آنها را نیز بمرحله اجرا درآورده است . هیچکس فراموش نمیکند که جمهوری اسلامی تلاش فراوانی نمود که زنان را از کارخانه ها وادارات اخراج کند، ودراوائل تعداد زیادی را نیز اخراج نمود، اما از آنجائیکه با مقاومت جدی برخورد نمود ناگزیر به عقب نشینی شد. طالبان که دروضعیتی دیگری در کشوری دیگر بقدرت رسیده است، دقیقا همان خواست جمهوری اسلامی را عملی میکند. برافراشتن چوبه های دار برای مخالفین، شلاق زدن در خیابانها، حجاب ونماز اجباری، اینها نیز دقیقا همان چیزهائی است که جمهوری اسلامی عملی کرده است. پس درحقیقت طالبان همان قوانین شرع وحاکمیت اسلام را برقرار ساخته ونشان داد که دراین زمینه تفاوتی هم میان شیعه وسنی نیست. حکومت مذهبی کار دیگری جز به اجرا درآوردن همین اقدامات ارتجاعی ندارد. حکومت اسلامی خواه درایران باشد یا عربستان وافغانستان، دشمن آزادی و دمکراسی است. زن رانیمه انسان می پندارد

◄ ۱۵

از چپ ناظر تا چپ اثر گذار !

بورژوازی گوش هایش راتیز کرده ومترصد است تادرتحولات آتی برموج مبارزه توده ای سوارشود، ویکباردیگر هم جنبش انقلابی رابه انحراف وشکست کشانده ، خودقدرت حاکمه رابدست گیرد. هرچند نمیتوان چنین ادعاکردکه درمیان این طیف ها هم اکنون اتحادوائتلافی حاصل شده ویادرمیانشان پراکندگی وجودندارد، امادرهرحال اولا آنهادراین راستاتلاش میکنند وجملگی ازسوی بورژوازی بین المللی حمایت میشوندودرثانی درلحظه حاضر نیز جریان متشکلی نظیر شورای ملی مقاومت رادارندتادرموقع حساس وآنجاکه منافع این طبقه بخواهد بخطر افتد، کل بورژوازی راازمهلکه انقلاب نجات دهدومنافعش راحراست کند.

حال باید دید کمونیست هاومجموعه نیروهای چپ درقبال چنین شرایط حساسی چه میکنندوچه عکس العملی دارند. این عکس العمل ها آیاتماما برمبنای شناخت درست ازشرایط ودرانطباق باجایگاه واقعی این نیروها درجنبش انقلابی است یانه ؟ یك نگاه مختصربه مواضع ونشریات این جریانات کافیست تاهرکسی متوجه شودکه چپ شرایط حساس کنونی رادریافته وهمه جا لفظا به آن اشاره میکند. چپ تلاش نیروهاوجناحهای مختلف بورژوازی وکل این طبقه رابرای قبضه قدرت سیاسی وبرای سرکوب جنبش رادیکال توده ای انکارنمیکند، معهذا خوددرقبال این اوضاع چه میکند؟ هیچ ویاتقریبا هیچ ! تمامی سازمانهاونیروهای چپ برچشم انداز متحول آتی ورشد روزافزون مبارزه کارگری واعتراض توده ای صحه مینهند، ازپراکندگی نیروهای چپ وازاین موضوع که به علت همین پراکندگی ، چپ نمیتواند تاثیرموثری برروند اوضاع داشته باشد، سخن ! میگویند، مهعذا این چپ هادربرابر چنین اوضاع وشرایطی خود چه میکنند ؟ هیچ ویاتقریبا هیچ !

آیااین مسئله تعجب آورنیست ؟ هرآینه این چپ شرایط رانمیشناخت وفرضا تحلیل های دیگری ازاوضاع وروند تحولات میداد، روشن است که درآن صورت دیگر بحثی هم از بی عملی آن دراین زمینه نبودوجای تعجبی هم نمیبود. امابحث برسراین است که این چپ تحلیلش ازشرایط واوضاع به ناگزیر کاررابه اقدامات عملی معینی میکشاندوباید بکشاندکه اما ازاین اقدام ویا اقدامات عملی خبری نیست . مادامکه پای تحلیل ازشرایط وبحث وضعیت وانسجام ویاعدم انسجام نیروهای طبقاتی مختلف وخصوصا موضوع پراکندگی نیروی چپ درمیان است هیچکس کم نمی آورد، اماهمینکه قراراست نتیجه عملی مشخصی ازاین ها گرفته شود تاچپ بدیل خودرادرقبال اوضاع ودربرابر جریانهای بورژوائی ارائه دهد، ناگهان این چپ به لختی وتنبلی دچارمیگردد. گوئی که این چپ هنوز گیجی ومنگی حاصله ازضربات چندین ساله حکومت اسلامی برسروپیکرخودراپشت سرنگذاشته وازبهت درنیامده است . فاجعه سرکارآمدن جمهوری اسلامی را همه دیده ایم امابرای جلوگیری ازتکرارچنین فاجعه ای تکان نمیخوریم ! این چنین است وضعیت چپ. چپی که خودرادیکالیسم جنبش توده ای رانمایندگی میکند، چپی که باید درصف مقدم ، پرچم این جنبش رادردست داشته وبردوش حمل کند، چپی است پراکنده با رخوتی عمیق ودردناك برجان وتن که کارش خلاصه شده است به نظارت براوضاع !

جائی که چپ هم اکنون درآن ایستاده است، بهیچوجه جایگاهی که شایسته آن است نیست . چه باید کرد وکدام گام عملی مشخصی راباید برداشت که چپ ازحالت فعلی درآمده وجایگاه واقعی اش راپیداکند؟ اگرمهمترین واساسی ترین نقطه ضعف چپ درشرایط کنونی پراکندگی آن است، واضح است که چپ تااین نقطه ضعف رابرطرف نساخته است نمیتواند ازچپ ناظربه چپ اثرگذارگذرکند. چپی که سطح فعالیت کنونی راضی اش نمیکندوفاقد قدرت وتاثیرگذاری برروندواوضاع وتحولات است، این چپ بایستی باخودش صادق باشدوقبل ازهرچیز باید اززاویه منافع جنبش کارگری وجنبش رادیکال وانقلابی توده ای، تعمیق وپیشرفت آن به این موضوع نگاه کند ونه ازموضع حقیراین یا آن جریان چپ، چپ اگرچنین کنددیگرنمیتواندبطورآگاهانه جهت مرتفع ساختن نقطه ضعف بزرگ چپ پا پیش نگذارد. پراکندگی چپ ، خودبخودبه اتحاد چپ فرانمیروید. چپ ممکن است تحت شرایط دیگری - که دراینجامورد بحث مانیست - فرضا تحت تاثیرفشارازپائین راحت تروکم دردتربه اتحاد میرسید، معهذا هیچ نیروی واقعا چپی خصوصا هیچ کمونیستی نمیتواندونبایستی به بهانه شرایط وتارسیدن شرایط مساعد، ازپرداختن به این موضوع طفره رفته پایش رانیز کنارکشیده ، دست روی دست بگذارد وبه آنچه که خوددرسازمان خودانجام میدهد اکتفا کند. شرایط امروزچپ اتفاقا بگونه ای است که مداخله بیشتروآگاهانه ترنیروی چپ راطلب میکند. بدون دخالت فعال وآگاهانه چپ ، غلبه برنقطه ضعف چپ هم ممکن نیست.

نیروهای چپ بالاخره بایستی همکاریهای خودراازیکجائی شروع کنند. لازم نیست واصلاممکن هم نیست که درآغازهمه این نیروهابرسرتمامی مسائل جنبش توافق نظر داشته ویا مواضع یگانه ای داشته باشند. چپ هوشیار، آگاهانه میبایستی ازتجارب تاکنونی اش دراین زمینه استفاده کندوازهمان آغاز دنبال همه چیز نباشدوچون همه چیز حاصل نشد، به هیچ مختوم گردد، تفکریاهمه چیز ویاهیچ چیز تفکروتجربه شکست خورده ای است که درعمل به همان هیچ چیز منتهی شده ودیگربار نباید تعقیب وتجربه شود.میتوان اماازحداقل هاوازساده ترین وبدیهی ترین مسائلی که هرنیروی واقعا انقلابی ورادیکالی وهرنیروی واقعاچپی به آن باوردارد آغازکرد. میخواهیم حکومت ودولت جمهوری اسلامی را براندازیم وبجای آن حکومت ودولت نوینی رامستقرسازیم یانه ؟ پس همکاری های خودرابرپایه همین حداقل شروع کنیم ودرپروسه آنراتعمیق وگسترش دهیم . این ائتلاف نه فقط کمونیست هارابه سایرنیروهای رادیکال وانقلابی نزدیك ترمیکند وچشم انداز گسترش همکاریهای فیمابین راوسعت میدهد، بلکه موجب نزدیکی چپ های کمونیست رانیز فراهم ساخته وراه رابرهمگامی های بیشتر واتحاد آن هانیز میگشاید.

ممکن است نیروی چپی بگوید خیر، حول این حداقل نمیشودائتلاف کرد. خوب این هیچ گونه مشکلی نبایستی باشد. این نشان میدهدکه آن نیروی چپ فرضی، خودنیزدنبال این موضوع هست ومیخواهد درخارج کردن چپ ازجایگاه فعلی اش نقش داشته باشد.بسیارخوب، این چپ باید دلائل خودش راهم بگویدوبگویدکه چگونه وحول چه چیزی وکدام حداقل دیگری این ائتلاف راباید سازمان داد.

خلاصه آنکه چپ نباید دست روی دست بگذارد ومیدان رابه بورژوازی بسپارد. چپ باید دست اززانوی خودگرفته وبرخیزد. به خودتکانی بدهد، غبارزخوت ازتنش بتکاند، پاره های تن خودرابجوید وپیکرواحدی رابناکند. چپی که اینگونه قامت راست نموده جایگاه واقعیش رانیز پیدامیکند. آری نیروی چپ یعنی آن نیروی اجتماعی رادیکالی که ازتحولات انقلابی درایران وحاکمیت کارگران وزحمتکشان دفاع میکند، چپی که هم اکنون نیز بالقوه نیروئی بسیاربزرگ باپایگاهی وسیع وگسترده است ، چپی که اماقدرتش درپراکندگی اش تحلیل رفته وزمزمه اش بگوش کسی نمیرسد، درآن صورت این چپ به نیروی تعیین کننده جنبش تبدیل شده ونعره اش تمام پیکربورژوازی رابه لرزه می اندازد.

زنده باد استقلال طبقاتی کارگران

تورم ، افسارگسیخته به پیش می تازد

تورم همچنان به پیش میتازدوقیمت هاروزبروز افزایش مییابند. درفاصله شش ماهی که ازسال جاری میگذرد بهای بسیاری ازکالاهاافزایش یافته است . حتی بهای نان هم که به علت حساس بودن آن، ظاهرا تحت کنترل شدید دولت قراردارد، ازاین افزایش مصون نبوده است . درتهران بهای نان بربری دراغلب نانوائی هابه دوبرابرافزایش یافت وبه ۱۰۰ ریال رسید. اجاره مسکن نیز که یکی ازاقلام سنگین وکمرشکن هزینه های کارگران وزحمتکشان راتشکیل میدهد، ازافزایش قابل ملاحظه ای برخورداربوده است. میزان این افزایش دریکسال گذشته هنوز دقیقا اعلام نشده است ، اماگزارش های رسمی حاکی است که بهای زمین تاحدود۷۰ درصد درتهران افزایش یافته است. برهمین مبنامیتوان دریافت که اجاره هانیزرقمی بیش از۵۰ درصدافزایش یافته است . اداره آماربانك مرکزی درتازه ترین گزارش خودشاخص بهای عمده فروشی کالاهادرخردادماه سال جاری را ۵۸۹/۲ اعلام نمودکه شاخص پایه آن درسال ۱۰۰،۶۹ درنظرگرفته شده است. همین گزارش شاخص بهای عمده فروشی درسال ۷۴ رانسبت به مدت مشابه سال قبل باافزایش ۶۶/۷ درصد اعلام نموده است . شاخص کالاهاوخدمات مصرفی درمناطق شهری درخرداد۷۵ نیزدرمقایسه بامدت مشابه سال قبل برطبق همین گزارش ۲۴/۹ درصد ترقی کرده است.

مرکزآمارایران درگزارشات اخیر خودنرخ تورم رادرروستاهای کشوردرسال ۷۳، ۴۷ درصدودرسال ۷۴ ، ۵۳ درصد اعلام نمود.

تمام این واقعیات حاکی ازفشاربیسابقه ای است که تورم وافزایش قیمت ها برمردم زحمتکش وارد می آورد. این فشارچنان توده زحمتکش رادرمنگنه قرارداده است که هرگز پیش از این سابقه نداشته است . سطح معیشت کارگران وزحمتکشان به نحو حیرت آوری تنزل کرده است وباگذشت هرسال وضع وخیم ترازسال قبل میگردد. صرفااگربه ارقام رسمی دولتی استنادکنیم ، درسال گذشته نرخ تورم درروستاها۵۳ درصد ودرشهرهاحدود۵۸ درصد بوده است . امادستمزدکارگران وحقوق کارمندان رده های پائین حتی به اندازه نیمی ازنرخ تورم افزایش نیافته است، یعنی تنهادرطی یکسال ، دستمزدواقعی کارگران حدودیك چهارم کاهش یافته وسطح زندگی آنهابه همین نسبت تنزل کرده است . اگردرسالهای گذشته هنوزاین امکان برای کارگران وزحمتکشان وجودداشت که باتن دادن به استثمار بیشتریعنی ازطریق چندین ساعت اضافه کاری ویاپیداکردن جائی دیگربرای کارکردن پس ازاتمام ۸ ساعت کارروزانه ، درمحدوده ای حداقل معیشت خودراتامین کنند، اکنون دیگربدین طریق نیز جبران کاهش دستمزد میسرنیست . یك کارگردیگرنمیتواندبیش از ۱۴، ۱۶، یا۱۸ساعت کارراددرروزتحمل کندلذاکاهش دستمزدهابه هیچ طریقی حتی تن دادن جبری به استثماربیشتر میسرنیست ولاجرم شرایط زندگی کارگران وخیم ترمیشودوروزبروز فقیرترمیگردند.

ارزیابی موسسات آماری وابسته به رژیم است که امروزه حداقل هزینه مصرفی لازم برا خانوار ۵ نفره درهرماه حدود صد هزارتومان امامتجاوزاز ۵۰ درصد مردم حتی به نیمی مبلغ درهرماه دسترسی ندارند.

این وضع به کجا خواهد انجامید وآیا حاکمیت جمهوری اسلامی هیچ چشم اندازی بهبوداوضاع وجوددارد؟ تجربه چندین سال گ به قدرکافی گویاست . سران رژیم درسالهای گ پی درپی به مردم وعده دادندکه اوضاع اقتص بهبود خواهدیافت ، تورم مهارخواهدشدو، معیشت زحمتکشان ارتقاء خواهدیافت. اماآنچ درعمل بوقوع پیوست، وخامت بیشتراو، اقتصادی، افزایش سرسام آورنرخ تورم وو ترشدن شرایط مادی ومعیشتی توده زحمتکش پس ازآنهمه وعده ووعید، نرخ تورم سال ۷۴ ب از۵۰ درصدرسما اعلام میگردد، یعنی بالاترین ر که تاکنون سران رژیم رسمااعلام کرده اند.

باتوجه به وخامت اوضاع اقتصادی وتش بحران ، ونظربه اینکه کشمکش هاورقابت ه درونی رژیم تشدید شده واحتمال بیشت وجوددارد که جناح دیگر هیئت حاکمه درجر انتخابات ریاست جمهوری ، قدرت اجرا کشوررادردست گیرد، هیچ چشم اندازی حتی بر تخفیف اوضاع ، مهارتورم وکاهش این همه فشا که روزمره کارگران وزحمتکشان تحمل میکن وجودندارد. چشم انداز اوضاع اقتصادی تی ترازهرزمان دیگراست ، لذااحتمال مهارتورم ن ازعهده این رژیم خارج است .

خط قرمزهای نظام ومساله آزادیها

باشد؟ کدام روزنامه نگار، نویسنده ویا هنرمندی است که گول این حرفها را بخورد؟ با اینهمه رفسنجانی از آنجا که خود مدافع همین حکومت ارتجاعی و سرکوبگر است وبیش از دیگر سران رژیم حتی، در تحکیم وتقویت حکومت مذهب یعنی حکومتی که از اساس با آزادیهای سیاسی ومنجمله آزادی بیان وعقیده ومطبوعات درتضاد وتعارض آشتی ناپذیر قراردارد، تلاش نموده است، نه قبل، نه اکنون ونه بعد از این، هیچگاه نتوانسته ونخواهد توانست دراین بازی وعوامفریبی پایش را از این محدوده فراتر بگذارد واز همین روست که درادامه سخنان خود وبعد از آنکه میگوید هنرمندان وروزنامه نگاران باید آزاد باشند بلافاصله چنین میگوید «اما آنان باید خط قرمزهائی را که نظام دارد رعایت کنند» ! بنابراین نویسندگان وروزنامه نگاران وهنرمندان آزادند اما فقط باید خط قرمزهای نظام را رعایت کنند !

خوب مگر خامنه ای و دارو دسته او غیر از این میگویند؟ و مگر باندهای سیاه وسایر نیروهای سرکوب با همین استناد به روزنامه ها، سخنرانیها و کتابفروشیها حمله نکرده اند؟ مگر رئیس قوه قضائیه غیر از این میگوید؟ و مگر تحت همین عنوان نویسندگان وروزنامه نگاران وهنرمندان را به محاکمه نکشیده ومحبوس نکرده اند؟ مگر وزارت ارشاد غیر از این میگوید؟ ومگر تحت همین عنوان نیست که جلو انتشار کتاب را میگیرد ویا به میزی وسانسور آن میپردازد؟ ومگر «شورای انقلاب فرهنگی» که آقای رفسنجانی هم در راس آن است غیر از این میگوید؟

جز اینست که همه این دستگاهها متفقا علیه آزادیهای سیاسی، منجمله علیه آزادی بیان وعقیده ومطبوعات عملکرده واساسا برای سرکوب آزادیها، سرکوب نویسندگان ، روزنامه نگاران وهنرمندان برپا گشته اند؟ تا خط قرمزهای نظام رعایت شود؟

ومگر هم اکنون تحت همین عناوین، برشدت خفقان وفشار برنویسندگان وروزنامه نگاران وهنرمندان نیفزوده اند؟ هنوز دو هفته هم سخنان عوامفریبانه رفسنجانی نگذشته بود ک سیزده تن از نویسندگان که دور هم جمع شد بودند تا درباره متن منشور کانون نویسندگان ب بحث وتبادل نظر بپردازند، توسط نیروهای دستگا اطلاعاتی وامنیتی که ایضا آقای رفسنجانی د جریان تصمیمات آن هست ، در ۲۵ شهریور د تهران دستگیر شده وپس از ساعتها بازداشت ب قید ممنوعیت هر گونه فعالیت آزاد میشوند.

واقعیت امر اینست که حکومت مذهب وآزادیهای سیاسی بکلی مانعت الجمع اند. حکومت اسلامی نه فقط با آزادی بیان وعقیده ومطبوعات در تعارض است بلکه از آنجا که حکومت دسته خاصی از اسلام پناهان است، همه چیز بایستی بروفق نظرات، تعابیر و تفاسیر این دسته و سران آن باشد. هرچیزی خارج از این چارچوب همان خط قرمز است. رفسنجانی نیز درجریان رقابتها و اختلاف هایش با جناح رقیب، شاید بتواند برپاره ای خصوصیات این جناح انگشت بگذارد، اما نمیتواند ماهیت ارتجاعی، سرکوبگر و ضد دمکراتیك خود ونظامش را بپوشاند.

خط قرمزهای نظام ومساله آزادیها

هاشمی رفسنجانی طی یك سخنرانی در محل باشگاه ریاست جمهوری که بنا به ادعای روزنامه سلام در حضور جمعی از هنرمندان، روزنامه نگاران ونویسندگان ایراد نمود، ضمن آنکه یکبار دیگر از پیشرفتهای مختلف اقتصادی وفرهنگی حاصله ازکوششهای دولت خودطبق معمول تعریف نمود، مطالبی در مورد آزادی قلم وبیان وغیره نیز برزبان راند وبازیرکی خاصی کوشید تا شخص خود را مدافع آزادی مطبوعات ومخالف سختگیری وخشونت در برابر روزنامه نگاران جا بزند، رفسنجانی در این سخنان وجود "تنوع فکری" در جامعه را یك "واقعیت" خواند وپس از اشاره به اینموضوع ، گرایش های مختلف دستگاه حکومتی را به مدارا با یکدیگر فراخوانده و گفت "بایستی یکدیگر را تحمل کنیم" .

اینکه رفسنجانی گرایش های فکری را به تحمل یکدیگر فرا بخواند، البته موضوع قابل درکی است که اساسا ریشه اش در توازن قوای جناحهای حکومتی و روند روزافزون دست اندازی جناح مقابل رفسنجانی به اهرمهای حکومتی است. خطاب رفسنجانی هم البته اساسا متوجه همین جناح است که اکثراهرمهای قدرت را در دست دارد ، خود را مدافع وحافظ "ارزشهای انقلاب" میداند وکمترین نرمشی هم درقبال حریفان از خود نشان نمیدهد. به زبان صریح تر رفسنجانی ازاین جناح میخواهد کمی بردبار باشد، مخالفان و رقیبان خود را که در روزنامه ها ودر چارچوب نظام قلم میزنند تحمل نماید ! سخنان رفسنجانی که البته از سر مصلحت بینی و دور اندیشی عنوان میشود، دقیقا با موقعیت تضعیف شده فعلی او در انطباق است. رفسنجانی اما که در جمع روزنامه نگاران و نویسندگان وهنرمندان سخن میگوید وخود بهتر از هرکسی میداند که جمهوری اسلامی چه برسر مطبوعات وبر سر روزنامه نگاران ونویسندگان وهنرمندان آورده است وچه سرکوب واختناقی را دراین زمینه حاکم کرده است، ناگهان به این صرافت می افتد که نقش خود را دراین میان بکلی انکار نماید ! اومیگوید: " من در دوره ریاستم متعرض هیچ کس وهیچ روزنامه ای نشدم وبنای ما زور گفتن نیست " !

این حرف آقای رفسنجانی که دیگر چیزی هم به اتمام دوران ریاستش باقی نمانده است، دربدو امر بی اختیار انسان را به یاد کسی وحاکمی می اندازد که متوجه شده خود وحکومتش رفتنی هستند ومیخواهد ولو در آخرین لحظات حساب خود را اگر بتواند از دیگران جدا کند وتوشه ای برای آینده اش بسازد. آقای رفسنجانی بعد از آنکه نزدیك به دو دهه از عمر حکومت اسلامی میگذرد، درست دراین آخرین ماههای ریاست جمهوری خود ناگهان یادش افتاده است این موضوع را گوشزد کند که متعرض هیچکس وهیچ روزنامه ای نشده است وبه هیچکس زور نگفته است. میگویند دروغ هرچه بزرگتر باشد باور کردن آن هم سهل تر است ! و ادعای آقای رفسنجانی البته دروغ بسیار بزرگی که اما هیچکس آنرا باور نمیکند. رفسنجانی وقتی که میتواند بدروغ ادعا کند در ایران مشکل گرانی وجود ندارد، مشکل بیکاری وجود ندارد، وقتی که میتواند ادعا کند ایران آزادترین کشور روی زمین است چرا نتواند بگوید متعرض هیچکس وهیچ روزنامه ای نشده است وبه هیچکس زور نگفته است ؟

حکومت اسلامی بنا به ماهیت عمیقا ارتجاعی وخصلت مذهبی اش ازهمان روز اول سرکار آمدنش جز با سرکوب آزادیها وجزبا کشتار انقلابیون ومخالفین خود ، سخنی نگفته است. توقیف وتعطیل روزنامه ها ونشریات ، سرکوب تشکلها، دستگیری ، زندان، شکنجه وکشتار انقلابیون وسایر مخالفین رژیم نیز اگر در دوران ریاست جمهوری ایشان بیشتر از دوره قبل از آن نبوده باشد، یقینا کمتر هم نبوده است. ده ها هزار تن از نیروهای انقلابی ومخالف رژیم بخاطر اعتقاداتشان به زندان افتاده ، شکنجه شده وهزاران تن از آنان به جوخه های مرگ سپرده شده اند که در میان آنها صدها تن از بهترین شاعران، نویسندگان ، روزنامه نگاران وسایر هنرمندان نیز قرار داشته اند.

ده ها نشریه وروزنامه نظیر جهان اسلام، کیان، فاراد، بیان، دانشجوی بسیجی، راه مجاهد، خراسان وغیره وغیره که همگی جواز انتشار داشته ودر چارچوب نظام جمهوری اسلامی فعالیت می کرده اند توقیف وتعطیل شده ودست اندرکاران ومجریان آنها نیز مورد پیگرد وتعقیب قرار گرفته گاه به حبس وزندان نیز افکنده شده اند. فیلم سازان وسخنرانان مورد حمله قرار گرفته، کتابفروشی ها به آتش کشیده شده وجلو انتشار ده ها کتاب به بهانه های مختلف گرفته شده است، بسیاری از نویسندگان وشاعران دائما تحت فشار قرار داشته وبخاطر کمترین تحرکی جهت برپائی تشکلی صنفی و مستقل مورد آزار وپیگرد قرار گرفته اند. مولفین وناشرین نیز دائما در معرض آزارو اذیت اند. کتابها حتی هنگام تجدید چاپ نیز مکررا ازسوی ممیزی وزارت ارشاد، سانسور وبرخی مطالب آن حذف میشوند. ناشری دراینمورد میگوید "درحال حاضر کتابهای چاپ دوازدهم وسیزدهم در بررسی با ایراد و مشکل مواجه میشوند وقسمتها ویاموارد از آن حذف میشوند" (سلام ۲ شهریور)

همه این جنایات ، تعرضات، زورگوئی ها ومحدودیتها در حیات آقای رفسنجانی صورت گرفته ومیگیرد وایشان در هرحال یا رئیس قوه مجریه بوده ویاریاست دستگاه دیگری را برعهده داشته ویا همزمان برراس چندین دستگاه قرار داشته است.

اگرچه دراینجا ودرارتکاب این جنایات واقدامات ضد دمکراتیك، اساسا بحث فرد ویا شخص خاصی مطرح نیست، معهذا ولو بحث افراد هم مطرح شود، شخص رفسنجانی بعنوان یکی از مهره های اصلی حکومتی ونزدیکان خمینی، وبعنوان یکی از معماران اصلی این حکومت از ابتدا تا اکنون در همه تصمیم گیریهای مهم آن نقش داشته ومسئولیت های مهمی را نیز برعهده داشته است. از سرکوب کارگران وملیتها، از دستگیری وزندان وکشتار کمونیستها وانقلابیون بگیر تا تعطیل وتوقیف روزنامه ها. راه دور نرویم وهمین روزنامه سلام را در نظر بگیریم که ارگان جناحی از حکومت بوده ودست اندرکاران آن نیز خود در زمره وفادارترین افراد به خمینی وبه نظام حاکم بوده وهمچون دارودسته آقای رفسنجانی در سرکوب آزادیها وکشتار انقلابیون ومخالفین حکومت اسلامی نقش مهمی ایفا نموده است. همگان بیاد دارند که آقای رفسنجانی همینکه وارد ائتلاف با جناح خامنه ای شد بلافاصله به پروپای این روزنامه پیچید که چرا موجب دلسردی ونا امیدی مردم میشوند ومتعاقب آن نیز موسوی خوئینی ها مدیر مسئول آن به جرم تشویش اذهان عمومی ودلسرد کردن مردم از انقلاب وغیره به محاکمه کشیده شد وعباس عبدی عضو شورای سردبیری این روزنامه نیزاز زندان سر درآورد ! بعد از آن باوجود آنکه این روزنامه روال قبلی خود را رها کرد، وصرفا به طرح پاره ای مسائل ملایم انتقادی آنهم از سر دلسوزی اکتفا نموده بود معهذا، هم اکنون چندماهی است که دیگر آنرا هم مطرح نمیکند وکلامی به انتقاد حتی درچارچوب نظام هم نمیگوید. اگر درگذشته روزنامه سلام این جرات را بخود میداد تا علت دستگیری عضو شورای سردبیری خود را از دستگاه قضائی سوال کند امروز دیگر شرایط "آزادی قلم" و "بیان" برای حتی این مدافعین پروپاقرص نظام درآن حد هم نیست که غیبت مجدد وناگهانی چند ماهه همان عضو شورای سردبیری خود را جویا شود. آنگاه آقای رفسنجانی خود را به نفهمی میزند ودرکمال وقاحت دم از آزادی روزنامه نگاران میزند. او درهمان حال که از روزنامه نگاران میخواهد "آزاد" باشند وبه "متولیان" نیز توصیه میکند خشونت کمتری بخرج دهند. میگوید"هنرمندان ، فرهنگیان، روزنامه نگاران باید آزاد باشند واگرچه از دردسرهائی که برخی دچار آن شده اند ناراضی هستم اما . . . "

آقای رفسنجانی که در دو دوزه بازی وتوهم پراکنی ید طولائی دارد، دراینجا نیز ، ضمن ابراز باصطلاح نارضایتی از دردسرهائی که برخی دچار آن شده اند، بدون اینکه بگوید چه دردسرهائی برای چه کسانی، کی وچگونه ایجاد شده است، میخواهد خود را مدافع آزادی هنرمندان وروزنامه نگاران جا بزند تا دراین واپسین روزهای ریاست جمهوری شاید تمایزی میان خود وجناح رقیب ترسیم کرده باشد. ولی چه کسی است که ماهیت ارتجاعی وریاکارانه رفسنجانی وسخنانش را درنیافته

۴◄

تقویت نیروی نظامی آمریکا در منطقه خلیج فارس و عواقب آن

خاورمیانه به یك کانون تلاطمات وبحران های ژرف جهانی تبدیل شده است . درسراسرمنطقه یکرشته تضادهای لاینحل ، مبارزات وکشمکش ها، مناقشه های حادودرگیری وجنگ ، بشدت عمل میکنند.

درایران رژیمی حاکم است که درچنگال انبوهی ازتضادها وبحران هادست وپامیزند، ودربرابررشدواعتراض ومبارزه توده ای ، موجودیت روزمره خودرابازورسرنیزه وسرکوب حفظ کرده است.

درافغانستان، جنگ وخونریزی وحشیانه دستجات مرتجع اسلام گراادامه دارد وجنگ داخلی چندین ساله دراین کشوریك تباهی تام وتمام پدید آورده است .

عراق درگیر یك بحران داخلی ژرف است وجنگ ودرگیری درشمال وجنوب این کشورادامه دارد.

درترکیه، تاآنجاکه به خاورمیانه مربوط میگردد، نبردمسلحانه خلق کرد علیه رژیم مرتجع حاکم براین کشوروسعت گرفته وروزبروزبردامنه درگیری مسلحانه میان مبارزین کردوارتش ترکیه افزوده میشود.

کشورهای عربی منطقه بدون استثناء بابحران های جدی ویك موج وسیع اعتراض ونارضایتی توده ای روبروهستندازبحرین وکویت تاعربستان وازاینجاتااردن وعراق همه جا نارضایتی واعتراض موج میزند.

قیام خلق تحت ستم فلسطین علیه اشغالگران اسرائیلی همچنان ادامه دارد.

ستیز ودرگیری میان دولت های منطقه بیش ازهرزمان دیگرحادشده است . بقدرت رسیدن جناح های راست افراطی دراسرائیل باردیگر مناسبات دولت های عرب واسرائیل رابشدت تیره ساخته است. دولت های عربی منطقه بادرگیری هاوکشمکش های درونی روبروهستند. موضع گیری درقبال رویدادهای اخیرعراق شکاف درونی آنهاراتشدید کرده است. دولت عراق تقریبا باتمام دول همجوارتضادوکشمکش دارد. جمهوری اسلامی که رسالت خودرااستقراررژیم هائی ازنوع خویش درسراسر منطقه میداند، بااستثنائات ناچیز، باعموم دول منطقه ، ستیز واصطکاك دارد.

دراین میان ماجراجوئی های توسعه طلبانه رژیم های اسرائیل ، جمهوری اسلامی وعراق هرلحظه خطربروزجنگ های منطقه ای رابیشترمیسازد.

درهمین حال منطقه خاورمیانه به یکی از حادترین عرصه های رقابت وتضادهای قدرت های امپریالیست جهان تبدیل شده است . دراینجا دوبلوك امپریالیستی اروپائی غربی وامپریالیسم آمریکا رودرروی یکدیگر قرارگرفته وتضادمنافع آنهادراین منطقه روزبروزحادترمیشود. بلوك امپریالیستی اتحادیه اروپائی که پس از فروریختن بلوك شرق وپایان دوران جنگ سرد یك سیاست تعرضی درقبال آمریکادرپیش گرفته است درتلاش است سهم بیشتری ازبازارهای خاورمیانه راعاید خودسازد. این واقعیت خودراعجالتا دربرخورد متفاوت این بلوك درقبال جمهوری اسلامی وعراق نشان میدهد. امپریالیسم آمریکانیز نه فقط حاضر نیست بخشی ازبازارهای منطقه راازدست بدهد، بلکه میخواهددرمنطقه ای که گذشته ازبازارپررونق آن ، گلوگاه انرژی جهان محسوب میشود، بازوروقدرت نظامی موقعیت برترخودراحفظ کند. لذاازسیاستهای ماجراجویانه وتوسعه طلبانه رژیم های عراق وجمهوری اسلامی به نفع پیشبرد این سیاست خودبهره گیری کرده وبابهانه وتوجیه مقابله باتوسعه طلبی هاوماجراجونی های این دورژیم نیروهای نظامی خودرابه منطقه گسیل داشته وروزبروزبرتعدادآنهامی افزاید.

تنهادریك ماه گذشته چندهزارنظامی آمریکائی به منطقه فرستاده شده است وهم اکنون متجاوزاز ۲۳۰۰۰نیروی نظامی آمریکادرعربستان ، کویت، ترکیه وبرعرشه ناوگان های جنگی مستقرشده اند. آمریکایك ناوگان هواپیمابردیگربنام اینترپریز راکه حامل ۷۵ جنگنده پیشرفته است به منطقه خلیج اعزام کرده است . اکنون متجاوزاز۲۵۰ هواپیمای جنگی آمریکا درمنطقه مستقرشده اند. یگان های موشکی جدید به همراه دهها هواپیمای پیشرفته ازنوع هواپیماهای اف ۱۱۷، اف ۱۶فالکن واف ۱۴ درکویت استقراریافته اند. گسیل این نیروواین همه تجهیزات پیشرفته جنگی به منطقه خلیج فارس، خودبیانگرابعاد تضادها وبحران های حادمنطقه است. درست است که این دخالت نظامی گسترده آمریکا درمنطقه خاورمیانه وخلیج فارس اساسا برای حفظ منافع اقتصادی انحصارات آمریکائی، تسلط بربازارهای منطقه نفت خیز جهان وحمایت ازرژیم های ارتجاعی دست نشانده منطقه است ، امااگرابعادکنونی تضادهاوبحران های منطقه نبود، حتی منافع درازمدت ترامپریالیسم آمریکا ایجاب میکرد که به این شکل علنی وآشکارسلطه گری وتجاوزگری خودرابه نمایش بگذارد. معهذارشدبیش ازحد تضادهاوبحرانهای منطقه همه چیز راکاملا آشکاروعریان کرده است . امپریالیسم آمریکااکنون دیگرصریحا میگوید که این نیروی نظامی به خاطر حفظ منافع آمریکاست ودرهرکجا که منافع آمریکا ایجاب کند، عملیات نظامی انجام خواهد گرفت . البته مداخلات نظامی وتوسعه طلبانه امپریالیسم آمریکا نمیتواندتضادهاوبحران های موجوددرمنطقه راکاهش دهد، بالعکس آنهاراتشدید خواهدکرد.

هم اکنون تضادمیان توده مردم منطقه باامپریالیسم آمریکا بیش از هرزمان دیگرتشدید شده است . این حضورنظامی آمریکا درمنطقه واقدامات تجاوزکارانه نظامی بیش ازپیش ماهیت رژیم های ارتجاعی ودست نشانده منطقه رادربرابرتوده های زحمتکش مردم برملاکرده است. روحیه مبارزه جوئی توده مردم علیه امپریالیسم ورژیم های حاکم برمنطقه روزبروزبالاترمیرودومبارزه واعتراض وسعت میگیرد.

البته باکمال تاسف باید گفت که ازآنجائیکه جریانات انقلابی منطقه دروضعیتی قرارندارندکه بتوانندازاین تضادهاورشد مبارزات برای سرنگونی نظم موجود استفاده کنندوآن رادرمسیر صحیح وانقلابی هدایت کنند ناسیونالیست هاوبویژه پان اسلامیست هاازآن بهره گرفته اند. جمهوری اسلامی حاکم برایران میکوشدازاین تضاددرجهت پیشبرد اهداف ومقاصدپان اسلامیستی خوداستفاده کندومبارزات توده زحمتکش مردم راکه علیه امپریالیسم ونظم حاکم برکشورهای منطقه است به یك مسیرارتجاعی سوق دهدومنحرف سازد. جمهوری اسلامی باپیشبرد این سیاست ارتجاعی نه فقط لطمه بسیارسنگینی به مردم منطقه ومبارزات آنهاوارد می آورد، بلکه خطربروزدرگیریهای نظامی وتحمیل یك جنگ ارتجاعی دیگررابه مردم ایران بیشترمیکند. چراکه امپریالیسم آمریکا ازدوجهت بارژیم جمهوری اسلامی درگیری دارد، ازیك سومیخواهدتمایلات توسعه طلبانه جمهوری اسلامی راکه همراه بابی ثبات کردن رژیم های دیگرمنطقه است ، مهارکند، وازسوی دیگر بازارایران راکه اکنون عمدتادردست انحصارات اروپائی است باردیگربه تصرف خوددرآورد. ازاین روست که باتوجه حضورفزاینده نظامی آمریکا درمنطقه ، احتمال بروز یك درگیری نظامی هرلحظه وجوددارد. موضع گیریهای سران دولت آمریکا وجمهوری اسلامی نیز موید این واقعیت است . مقامات سیاسی ونظامی آمریکا اکنون ابائی ندارندکه ازعملیات نظامی علیه رژیم جمهوری اسلامی سخن بگویند وزیردفاع آمریکا وفرماندهان نظامی آن درمنطقه باتهدید نظامی علیه جمهوری اسلامی موضع گیری میکنند. سران جمهوری اسلامی هم گذشته ازموضع گیریهای تبلیغاتی همیشگی خود، عملا برای مقابله بااین درگیری آماده میشوند. مانورهای نظامی پی درپی نیروهای مسلح رژیم جمهوری اسلامی ، صرفا برای ترساندن مردم ومقابله بارشدوارتقاء مبارزه آنهانیست. این مانورهابخشا آمادگی برای درگیری های نظامی احتمالی است . یعنی رژیم هم مسئله درگیری های نظامی راجدی گرفته است . همین چندروزپیش بودکه درپی تقویت نیروهای نظامی آمریکا درمنطقه خلیج فارس، فرمانده سپاه پاسداران رژیم ، تهدید کرد که اگر نیروهای آمریکائی دست به اقدام نظامی علیه جمهوری اسلامی بزنند، بانادیده گرفتن قوانین بین المللی درهرکجای جهان که امکان آن وجودداشته باشد، علیه آمریکا دست به اقدام نظامی خواهد زد. ناگفته روشن است

۱۳◄

تاریخ مختصر جنبش بین المللی کارگری ۱۷
دوران انترناسیونال اول

انترناسیونال واتحادیه های کارگری

همانگونه که از بررسی قطعنامه ها ودیگر مصوبات کنگره های انترناسیونال اول وشورای عمومی برمی آید، تقویت وگسترش اتحادیه های کارگری وتلاش برای پیوستن آنها به انترناسیونال، مسئله ای حائز اهمیت جدی بود. انترناسیونال که به ابتکار پیشروترین نمایندگان پرولتاریای جهان شکل گرفته بود، درحالی میتوانست به وظیفه خطیر خود عمل کندکه مرکزی برای تقویت تشکل وهمبستگی کارگران سراسر جهان باشد، از اعتماد روزافزون درمیان توده های وسیع کارگر برخوردار گرددو صفوف آن انباشته از پرولترهای جهان باشد. درآن مرحله از رشد وتکامل جنبش کارگری که هنوز احزاب کارگری توده ای درمقیاسی وسیع شکل نگرفته بودند، شورای عمومی از طریق بخش ها وشاخه های متعددی که درکشورهای سرمایه داری ایجاد نمود، تلاش بی وقفه ای را از یك سو برای متشکل ساختن کارگران واز سوی دیگر برای پیوستن اتحادیه ها سازمان داد. در آغاز، تشکلهائی که با پذیرش برنامه واساسنامه انترناسیونال رسما به عضویت آن درآمدند، تشکلهای محدود وکوچك کارگری نظیر انجمن های آموزشی کارگران سوئیس، بلژیك، آلمان، اسپانیا، انجمن کارگران آلمانی درلندن، کلوپ کمونیستهای نیویورك وغیره بودند.

با تلاش شورای عمومی انترناسیونال، بزودی تعدادی از اتحادیه های کارگری جهان یا مستقیما به انترناسیونال پیوسته ویا با آن اعلام همبستگی نمودند.

در ۱۸۶۶، کنفرانس نمایندگان اتحادیه های بریتانیا در شفیلد که با حضور ۱۳۸ نماینده ۲۰۰۰۰۰ کارگر متشکل تشکیل شده بود، قطعنامه ای در تائید انترناسیونال وحمایت از آن تصویب نمود واز اتحادیه ها خواست که به انجمن بین المللی کارگران به پیوندند. این قطعنامه به شرح زیر بود:

« این کنفرانس به طور کامل تلاش هائی را که از سوی انجمن بین المللی برای تحکیم علقه های مشترك برادری میان کارگران ومتحد ساختن آنها صورت میگیرد، تائید میکند وبه تمام انجمن هائی که نماینده دارند توصیه میکند که به این ارگان به پیوندند. وبراین اعتقاد است که چنین اقدامی برای ترقی وخوشبختی تمام جامعه کارگری ضروری است. » به رغم اختلافاتی هم که در درون شورای اتحادیه های لندن در مورد پیوستن به انترناسیونال وجود داشت وظاهرا اعتراض مخالفین این بود که انترناسیونال درب خود را به روی کارگران غیر ماهر گشوده ودرفعالیت های سیاسی شرکت دارد، معهذا این تشکل کارگری نیز در ۱۸۶۷ تصمیم گرفت که با انجمن بین المللی کارگران، همکاری نزدیك داشته باشد. نتیجتا تا پایان سال ۱۸۶۷ حدود بیش از ۳۰ اتحادیه کارگری با ۵۰۰۰۰ عضو، پیوستگی خود را به انترناسیونال اعلام نمود. (۳۰) هرچند که این هنوز بخش کوچکی از طبقه کارگر بریتانیا بود، معهذا پیشرفت مهمی در سیاست های شورای عمومی انترناسیونال محسوب می شد.

در فرانسه، بلژیك وسوئیس نیز که انترناسیونال شعبات فعالی ایجاد کرده بود که در سازماندهی اتحادیه های کارگری نقشی مهم داشتند، بخش قابل ملاحظه ای از کارگران وتشکل های آنها به انترناسیونال پیوستند. « در فرانسه در سال ۱۸۶۹، بین الملل به تقریب ۲۰۰۰۰۰ عضو داشت . » (۳۱) در بلژیك و سوئیس نیز تا پایان دهه ۶۰ هزاران کارگر وتعدادی از اتحادیه ها رسما به انترناسیونال پیوستند.

در آلمان، حزب سوسیال دمکرات وآن بخش از کارگران که با این حزب فعالیت میکردند، رسما به عضویت انترناسیونال در آمدند واتحادیه عمومی کارگران آلمان که تحت نفوذ گرایشات لاسالی قرار داشت در ۱۸۶۹ نسبت به انترناسیونال اعلام همبستگی نمود.

در ایالات متحده نیز از همان آغاز روابط نزدیکی میان اتحادیه ها با انترناسیونال وجود داشت. درنخستین کنگره اتحادیه ملی کار، مسئله پیوستگی رسمی اتحادیه به انترناسیونال مطرح شد، اما دراین کنگره تصمیمی اتخاذ نشد. در کنگره شیکاگو در ۱۸۶۷ تصمیم گرفته شد که پیام همبستگی به انترناسیونال فرستاده شود. کنگره ۱۸۶۹ در فیلادلفیا نیز تصمیم گرفت که یك هیئت نمایندگی به کنگره بال بفرستد وبالاخره در کنگره ۱۸۷۰ قطعنامه ای تصویب شد بدین مضمون که «اتحادیه ملی کار وابستگی خود را به اصول انجمن بین المللی کارگران اعلام میدارد وامیدوار است که هرچه زودتر به آن به پیوندد. » (۳۲)

اتحادیه ملی رنگین پوستان ایالات متحده نیز که در ۱۸۶۹ تشکیل گردید، از همان آغاز تصمیم گرفت که یك نماینده به کنگره انترناسیونال بفرستد که بعلت بروز جنگ فرانسه و پروس نتوانست عملی گردد. تعدادی از اتحادیه های کارگری ایتالیا واسپانیا نیز به انترناسیونال پیوستند که یك نمونه آن فدراسیون متحده کارگران بافنده و دوزنده بارسلون با حدود ۹۰۰۰ عضو بود که در ۱۸۷۰ رسما به انترناسیونال پیوست . (۳۳)

همه این واقعیات حاکی از نقش انترناسیونال در جنبش بین المللی کارگری ونفوذ واعتبار آن درمیان توده وسیع کارگران سراسر جهان بود.

اعتلاء مبارزات کارگری درنیمه دوم دهه۶۰و نقش انترناسیونال درهمبستگی بین المللی کارگران

انترناسیونال اول در شرایطی تشکیل گردید که جنبش کارگری به مرحله اعتلاء نوینی گام نهاده بود. در نیمه دوم دهه ۶۰ قرن نوزدهم، اعتصابات وسیع وگسترده ای سراسر اروپا را فرا گرفت. در فوریه ۱۸۶۷ معدنچیان وفلزکاران بلژیکی در معادن ذغال سنگ شارلروا یك اعتصاب گسترده را آغاز نمودند. این اعتصاب پاسخی بود به اقدام سرمایه داران مبنی برکاهش ده درصد دستمزد وکاهش تولید به چهار روز درهفته . سرمایه داران و دولت آنها برای سرکوب اعتصاب دست به کار شدند. لذا این اعتصاب به درگیری کارگران با نیروهای نظامی انجامید. درجریان این درگیری گروهی از کارگران کشته وتعدادی نیز زخمی شدند. شورای عمومی انترناسیونال دست به یك بسیج همگانی کارگری برای محکومیت دولت بلژیك ودفاع از مبارزات وخواست های کارگران بلژیکی زد. از طریق شعبه های انترناسیونال در کشورهای مختلف کارگران کشورهای اروپا را درجریان مبارزات کارگران بلژیکی قرارداد وآنها را به حمایت وپشتیبانی از کارگران معادن فراخواند. شورای عمومی همچنین از معدنچیان وفلزکاران انگلیس خواست به خانواده های قربانیان وکسانی که درجریان این اعتصاب صدمه دیده اند، کمك مالی کنند. سرانجام حکومت بلژیك زیر فشار اعتراض بین المللی کارگران ناگزیر شد ۲۲ تن از کارگرانی را که درجریان اعتصاب دستگیر و به محاکمه کشیده بود آزاد کند. در پی این اعتصاب چندین اعتصاب مهم کارگری دیگر نیز در بلژیك صورت گرفت که از جمله آن اعتصاب فلزکاران کروکریل در سرینگ بود که توسط نیروهای سرکوب حکومت به خون کشیده شد. اعتصاب معدنچیان بوریانژ نیز سرکوب گردید. در همان ایام که اعتصاب معدنچیان وفلزکاران شارلوا در بلژیك در جریان بود، در فرانسه نیز جنبش کارگری در آستانه یکرشته اعتصابات قرارداشت. دربهار ۱۸۶۷ اعتصاب کارگران برنز پاریس بر سر نرخ های قطعه کاری آغاز گردید. کارفرمایان برای تحت فشار قراردادن کارگران وبه شکست کشاندن مبارزات آنها ، خواهان انحلال انجمن اعتبار متقابل کارگران برنزشدند وتهدید کردند که اگر کارگران از این امر سرباز زنند، کارخانه ها را تعطیل خواهند کرد. کارگران زیر بار این زورگوئی وتهدید سرمایه داران نرفتند واعتصاب ادامه یافت. در جریان این اعتصاب نیز انترناسیونال نقشی مهم ایفا نمود . در حقیقت امر، این اعتصاب به عرصه قدرت نمائی میان سرمایه داران وانترناسیونال تبدیل گردید.

شورای عمومی انترناسیونال به منظور خنثی کردن فشار سرمایه داران علیه کارگران اعتصابی دست به یك بسیج همگانی کارگران به حمایت از کارگان برنز زد. کارگران انگلیس، سوئیس، بلژیك با کمك های مالی خود به تحکیم مبارزه کارگران برنز وپیروزی آنها یاری رساندند. شورای عمومی نه فقط از نظر تبلیغاتی ومالی اقدامات فوق العاده موثری به نفع کارگران اعتصابی انجام داد بلکه با توجه به نفوذی که درمیان کارگران کشورهای مختلف داشت، مانع از آن گردید که سرمایه داران بتوانند ازاعتصاب شکنان برای سرکوب اعتصاب استفاده کنند. لازم به ذکر است که بیش از تشکیل

انترناسیونال سرمایه داران برای درهم شکستن اعتصابات کارگران از کارگران کشورهای دیگر به عنوان اعتصاب شکن استفاده میکردند، اما با تشکیل انترناسیونال این حربه از دست سرمایه داران گرفته شد وشعبات وشاخه های مختلف انترناسیونال درکشورهای سرمایه داری به شدت این تلاش سرمایه داران را خنثی می کردند. در نتیجه حمایت همه جانبه کارگران اروپائی وایستادگی کارگران برنز، نقشه های سرمایه داران برای به زانو در آوردن کارگران اعتصابی با شکست روبرو گردید. آنها ناگزیر به عقب نشینی شدند وپذیرفتند نرخ های واحدی را در قطعه کاری معمول دارند. مهمترین دست آورد انترناسیونال در این مبارزه نه فقط پیروزی کارگران برنز بلکه تقویت همبستگی بین المللی کارگران بود. پس از این اعتصاب یکرشته اعتصابات دیگر نیز درفرانسه رخ داد. درپی متداول شدن روزافزون ماشین در کارگاههای ریسندگی وبافندگی، واخراج گروه کثیری از کارگران بافنده وریسنده در روبه ، کارگران اعتصاب وسیعی را سازمان دادند. پیش از آن نیز کارگران خیاط پاریس دست به اعتصاب زدند که حکومت دست به سرکوب اعتصاب زد. انجمن کمك متقابل آنها را منحل ساخت . تعدادی را دستگیر نمود ورهبران اعتصاب به پرداخت جریمه محکوم شدند. چند ماه بعد اعتصاب رنگرزان آتین بوقوع پیوست که مورد حمایت دیگر کارگران قرار گرفت. در ۱۸۶۸ مهمترین اعتصاب کارگران فرانسه اعتصاب کارگران نخ ریسی رونن در اعتراض به کاهش دستمزدها بود. در ۱۸۶۹ نیز اعتصابات متعدد دیگری برپا گردید که برجسته ترین آن، در نواحی معدنی لوار در لیون ومناطق دیگر بود. معدنچیان خواستار کاهش ساعات کار وتجدید نظر در تعرفه های دستمزد بودند. در ژوئن ۱۸۶۹ معدنچیان سنت آتین، ریوه دوگیه و فیرمینی دست به اعتصاب زدند. خواست آنهااین بود که تعرفه های دستمزد مورد تجدید نظر قرار گیرد وساعات کار که بالغ بر ۱۲ ساعت کار طاقت فرسای زیر زمینی بود، کاهش یابد. دولت فرانسه دست به سرکوب کارگران زد. روز ۱۶ ژوئن ۱۸۶۹، حدود ۶۰ معدنچی را دستگیر وبه سنت آتین اعزام داشت. معدنچیان وخانواده های آنها دست به راهپیمائی به سوی شهر زدند وخواستار آزادی زندانیان شدند. نیروهای سرکوب به روی کارگران آتش گشودند و قتل عام موسوم به ریکامیر را آفریدند. ۱۵ تن کشته شدند که درمیان آنها دو زن ویك کودك بود. تعداد کثیری نیز زخمی شدند. (۳۴) به رغم این سرکوبگری های وحشیانه بورژوازی، اعتصابات دیگری درهمین سال به وقوع پیوست. اندکی پس از قتل عام ریکامیر، زنان ابریشم باف لیون که پیوسته درجنبش مبارزاتی کارگران لیون نقش برجسته ای داشتند، دست به اعتصاب زدند. درهمین سال اعتصاب کارگران نساجی نرماندی نیز بوقوع پیوست.

اعتصاباتی که به آنها اشاره شد، تنها چند نمونه از مجموعه اعتصاباتی بود که تا اواخر دهه ۶۰ فرانسه را فراگرفته بود. در سوئیس نیز در نیمه دوم دهه ۶۰ چندین اعتصاب مهم برپا گردید. در مارس وآوریل ۱۸۶۸، ۳۰ هزار کارگر ساختمان در ژنو دستبه اعتصاب زدند. کارگران اعتصابی خواهان افزایش دستمزدها وکاهش ساعات کار به ده ساعت در روز بودند. این اعتصاب از حمایت وپشتیبانی کارگران برخی رسته های دیگر نیز برخوردار گردید وآنها نیز به اعتصاب ملحق شدند. این جنبش اعتصابی وسیع با تلاش های انترناسیونال انعکاس بین المللی وسیعی پیدا کرد. کارگران فرانسه، بریتانیا، آلمان وغیره به حمایت از کارگران اعتصابی سوئیس برخاستند. نتیجه امر ادامه اعتصاب وپیروزی کارگران بود.

در اواخر ۱۸۶۸ نیز یکی دیگر از معروفترین اعتصابات یعنی اعتصاب بافندگان روبان ورنگرزان ابریشم در بال به وقوع پیوست. این اعتصاب از آن رو آغاز گردید که یکی از کارفرمایان تلاش نمود، یك تعطیلی مرسوم وسنتی کارگران را برهم بزند وتهدید کرد که هرکس برسرکار حاضر نشود اخراج میشود؛ کارگران به این تهدید وقعی ننهادند. کارفرما دست به اخراج کارگران زد وفردای آن روز، ژاندارم ها از ورود کارگران به کارخانه جلوگیری نمودند. این روی داد منجر به اعتصاب کارگران کارخانه های دیگر دراین رشته گردید. اعتصاب از ۹ نوامبر ۱۸۶۸ تا بهار ۱۸۶۹ به طول انجامید. در مارس ۱۸۶۹ کارگران حروفچین ژنو هم دست به اعتصاب زدند. درهمین ماه باردیگر کارگران ساختمان اعتصاب خود را آغاز نمودند که علت آن لغو قراردادی بود که سال قبل امضاء شده بود و کارفرمایان تلاش نمودند با لغو این قرارداد، پیروزی های سال گذشته کارگران ساختمان را از آنها بازپس بگیرند که موفق نشدند.

مبارزات کارگران بریتانیا نیز طی این سالها دراشکال مختلف ادامه داشت که مهمترین آنها اعتصاب خیاطان لندن ومعدنچیان ولز بود. درجریان اعتصاب معدنچیان ولز، سرمایه داران انگلیسی نیز همانند بورژوازی کشورهای دیگر به سرکوب خونین وقتل عام کارگران دست زدند. اعتصاب از آن رو آغاز گردید که سرمایه داران دستمزد کارگران را کاهش دادند. معدنچیان ولز که با مقاومت سرمایه داران روبرو شده بودند، به خانه مدیر معدن حمله کردند. درجریان این حمله تعدادی از کارگران دستگیر وبه محاکمه کشیده شدند. کارگران معدن برای آزادی رفقای زندانی خود تلاش نمودند وبه این اقدام دولت اعتراض کردند. درجریان این اعتراض، میان معدنچیان بانیروهای نظامی وپلیس درگیری پیش آمد. نیروهای سرکوب کارگران را به گلوله بستند که درنتیجه این سرکوب وحشیانه دو زن وسه مرد کشته وتعدادی نیز زخمی شدند. (۳۵)

درهمین دوره است که کارگران برخی کشورهای دیگر نظیر اسپانیا وایتالیا نیز به جنبش بین المللی کارگری می پیوندند. دراسپانیا از ۱۸۵۵ که یك اعتصاب عمومی ۴۰ هزار نفره برپا گردید وتوسط حکومت سرکوب گردید، جنبش کارگری دراشکال مختلف اعتلاء یافت. درجریان این مبارزات کارگران پیوسته آگاه شده وبه تشکل روی می آوردند. اما ممنوعیت حق تشکل دراین کشور مانع عمده ای برسرراه جنبش کارگری بود. لذا کارگران اسپانیامبارزه مستمر وپیگیری را بخاطر کسب حق تشکل آزادانه آغاز نمودند که در ۱۸۶۹ به نتیجه رسید وکارگران اسپانیا نیز از حق تشکیل اتحادیه ها برخوردار گردیدند. این پیروزی به گسترش وسیع اتحادیه ها انجامید تا بدانجا که دراوائل دهه ۷۰ ، ۵۳۷ اتحادیه کارگری و ۲۷۰ فدراسیون منطقه ای با ۳۰۰۰۰۰ عضو دراسپانیا وجود داشت . (۳۶) درایتالیا نیز درهمین دوره جنبش کارگری از رشد وتوسعه قابل ملاحظه ای برخوردار گردید. با بسط وتوسعه مبارزه طبقاتی درایتالیا به مرور از نفوذ مازینی در جنبش کارگری کاسته شد وکارگران رودر روی سیاستهای مازینی قرار گرفتند. اما دراینجا نیز همانند اسپانیا، کارگران بیشتر به باکونین ونظرات او گرایش پیدا کردند و تحت تاثیر خط مشی آنارشیستی باکونین در مدتی کوتاه به چندین قیام محلی روی آوردند که یکی از مهمترین آنها در نیمه دوم دهه ۶۰ در ۱۸۶۸ بود. با این وجود دربطن این تحولات جنبش کارگری ایتالیا از نظر آگاهی وسطح سازمان یافتگی نیز رشد میکرد. در ۱۸۶۹ مجموعا ۷۷۱ سازمان کارگری از انواع مختلف در ایتالیا وجود داشت که عمدتا تشکلهای موسوم به لیگ مقاومت بودند. این تشکلها دراین مرحله نقش مهمی در سازماندهی اعتصابات متعددی که درایتالیا به وقوع پیوست ایفا نمودند. درنتیجه رشد وانسجام این تشکلهاست که در ۱۸۷۱، کارگران ایتالیا " انجمن وحدت کار " و یك سال بعد شورای اتحادیه های محلی را تشکیل دادند. (۳۷) یکی دیگر از مراکز تحول جنبش کارگری جهانی دراین دوره ایالات متحده آمریکا بود. کارگران ایالات متحده آمریکا به رغم اینکه درجریان جنگ داخلی نیمه اول دهه ۶۰ نقش مهمی درمبارزه علیه برده داری ایفا نمودند، اما تا این مقطع هنوز از آگاهی طبقاتی لازم برای شرکت مستقل دراین مبارزه وطرح مبارزات ویژه خود برخوردار نبودند. از این رو عمدتا تحت نفوذ حزب جمهوری خواه قرار داشتند و مطالباتی که مطرح میکردند اساسا مطالباتی بورژوا- دمکراتیك بود. با پایان جنگ داخلی وتجاربی که کارگران در جریان این جنگ آموخته بودند، به مبارزه ای مستقل روی می آورند. لذا در نیمه دوم دهه ۶۰ اتحادیه های کارگری وسیعا رشد وگسترش یافتند. این رشد اتحادیه های کارگری، درسال ۱۸۶۶ در جریان کنوانسیون بالتیمور و تشکیل اتحادیه ملی کار به اوج خود رسید. واین دست آورد بزرگی برای کارگران ایالات متحده آمریکا بود. " درکنوانسیون بنیانگذاری اتحادیه ملی کار، ۶۰ نماینده از جمله ۳۶ نماینده اتحادیه های محلی، ۶ نماینده از لیگهای ۸ ساعت کار، ۱۲ نماینده از شوراهای اتحادیه های محلی وسه نماینده از اتحادیه های ملی حضور داشتند. " اتحادیه ملی کار " هدف خود را سازماندهی کل طبقه کارگر مستقل از نژاد، جنس ومرام اعلام نمود. " (۳۸) این موضع در قبال گرایشات نژادپرستانه ، تبعیض طلبانه جنسی، وصنفی، موضعی کاملا مترقی وپیشرفته بود. اتحادیه ملی کار به رغم اینکه همه کارگران آمریکا را دربرنمیگرفت واغلب اتحادیه های کارگری که تحت نفوذ کارگران ماهر قرار

تاریخ مختصر جنبش بین المللی کارگری ۱۷

داشتند به آن نپیوستند، معهذا با مبارزه خود توانست نقش مهم رهبری کننده ای در اعتصابات متعدد کارگران ومبارزه برای تحقق شعار ۸ ساعت کار ایفا نماید. در نتیجه تلاشها ومبارزات اتحادیه ملی کار بود که بالاخره در ۱۸٦۹ فرمانی از سوی رئیس جمهور ایالات متحده صادر شد که عملا ۸ ساعت کار را میپذیرفت. اتحادیه ملی کار با اتخاذ مواضع رادیکال از حزب جمهوریخواه گسست وبه سوی تشکیل یك حزب سیاسی طبقاتی کارگری جهت گیری نمود. با تمام این اوصاف اتحادیه ملی کار درمسیر پیشرفت خود به موانعی برخورد کرد که سرانجام آن از هم پاشیدگی بود. از جمله این که در اتحادیه ملی کار گرایشی را که کارگران ماهر آنرا نمایندگی میکردند بر سر راه رادیکال شدن اتحادیه مانع ایجاد میکردند وحتی گرایشات نژادپرستانه را به درون اتحادیه رسوخ میدادند. در کنوانسیون ۱۸٦۷ همین گرایش مصرانه خواستار تشکل مجزای سیاهپوستان شد. سرانجام این سیاست نیز به انشقاق در صفوف کارگران وتشکیل اتحادیه ملی رنگین پوستان در دسامبر ۱۸٦۹ انجامید.

پرولتاریای جهانی دراین دوره تنها به خاطر خواستهای اقتصادی مبارزه نکرد بلکه نقش مهمی در مبارزه سیاسی ومطالبات دمکراتیك نیز ایفا نمود. کافی است که اشاره شود درنتیجه مبارزات وفشار طبقه کارگر آلمان وفرانسه بود که در ۱۸٦٦ کارگران آلمانی حق رای بدست آوردند ودرفرانسه قوانینی در مورد اعطای حق رای به مردان کارگر وآزادی مطبوعات تصویب شد. مبارزه طبقه کارگر انگلیس برای رفرم انتخاباتی در ۱۸٦۵ که از حمایت وپشتیبانی فعال شورای عمومی برخوردار بود، نمونه دیگری است. در جریان این مبارزه، هسته مارکسیست انترناسیونال نقش مهمی برعهده داشت وکوشید تا از طریق تشکیل مجمع رفرم، جنبش رادیکال چارتیستی وشعارهای رادیکال آن را احیاء کند. درجریان این مبارزه، دهها هزارتن از کارگران انگلیس با تشکیل میتینگهای مختلف به جنبش برای رفرم انتخاباتی پیوستند. عمق ودامنه این جنبش تا بدان حد بود که کابینه سقوط کرد. قانون جدیدی تصویب گردید، مجلس منحل شد وانتخابات نوینی برگزار گردید. کارگران انگلیس با مبارزه پیگیر خود توانستند طبقه حاکم را به عقب نشینی وادارند. معهذا در جریان این مبارزه، بخش رفرمیست رهبری مجمع سازش کرد وبه یك رفرم محدود تن داد. قانون رفرم ۱۸٦۷ حق رای را تنها به آن بخش از طبقه کارگر بسط داد که لااقل در سال ۱۰ لیره اجاره میپرداختند. علاوه براین، با این سازش در انگلیس هم همانند آلمان، فرانسه ودیگر کشورها، زنان نیز همچنان از حق رای محروم ماندند.

طبقه کارگر جهانی دراین دوران درعرصه مبارزه ضد جنگ وتلاش قدرتهای اروپائی برای برپائی جنگهای ارتجاعی فعال بود. همانگونه که بیش از این اشاره شد ودرمصوبات کنگره های انترناسیونال دیده شد، انترناسیونال اول دراین زمینه نیز نقش مهم ورهبری کننده ای در مبارزات کارگری ایفا نمود.

ادامه دارد

منابع:

۲۰- جنبش بین المللی طبقه کارگر ، جلد اول
۲۱- تاریخ سه انترناسیونال ، ویلیام فاستر
۲۲،۲۳- طرح تاریخ جنبش جهانی اتحادیه ای، ویلیام فاستر
۲۴،۲۵- گزارش شورای عمومی به کنگره چهارم انترناسیونال، جلد ۲۱ ، کلیات آثار مارکس، انگلس
۲٦،۲۷،۲۸ - طرح تاریخ جنبش جهانی اتحادیه ای، ویلیام فاستر

اطلاعیه

جمهوری اسلامی جنایت دیگری آفرید وباردیگر یکی از کشیشان مسیحی به نام روانبخش را در قائم شهر به قتل رساند. پیش از این نیز چهار تن از کشیشانی که در گذشته مسلمان بوده وسپس به مسیحیت گرویده بودند، به شیوه های مرموز ومشکوك مشابهی توسط عوامل رژیم به قتل رسیدند. در این مورد نیز جسد مقتول را از درخت آویزان نمودند تا چنین وانمود کنند که گویا او خودکشی کرده است.

اما اکنون دیگر همگان میدانند که جمهوری اسلامی بویژه در مواردی که فکر میکند قتل مخالف یا معترض رژیم ممکن است انعکاس بین المللی بیابد، به شیوه های کاملا تبهکارانه ومافیائی متوسل میگردد ومخالفین را بی سرو صدا به شیوه های مرموز به قتل میرساند.

جمهوری اسلامی که یك رژیم قشری مذهبی وضد بشر است، از آنجائیکه بنا به سرشت مذهبی خود نمیتواند آزادی سیاسی واز جمله آزادی بیان وعقیده ومرام را تحمل کند، نه فقط مخالفین سیاسی بلکه حتی پیروان ادیان ومذاهب دیگر را مورد سرکوب وآزار قرار میدهد. این رژیم حتی نمیتواند پیروان فرقه های دیگر اسلام را تحمل کند، بهائیان را از حقوق اجتماعی محروم کرده است، گروهی از پیروان آنها را به زندان انداخته یا اعدام کرده است. پیروان ادیان دیگر نیز درمعرض همین تضییقات، فشارها وسرکوبها قراردارند. قتل چند کشیش مسیحی نمونه بارزی از این سرکوب پیروان ادیان دیگر است.

ما ضمن محکوم ساختن اقدام وحشیانه رژیم درقتل یکی دیگر از کشیشان مسیحی، باردیگر متذکر میشویم مادام که حکومت مذهبی در ایران برسر کار باشد، این فجایع وحشتناك ادامه خواهد یافت. بایدحکومت مذهبی را که دشمن آزادی ودمکراسی است، از ایران برانداخت وحکومتی را ایجاد نمود که درآن دین ودولت بطور کامل از یکدیگر جدا باشند، هرکس آزاد باشد که دین داشته باشد یا نداشته باشد، به دینی بگرود یا از آن روی برگرداند.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اقلیت)

سیزدهم مهر ماه ۱۳۷۵ ، ٤ اکتبر ۱۹۹٦

اخباری از ایران

شرایط اسفبار کار درکارخانه تولید صنعتی «شهید رجائی»

بیش از ۵۰۰ کارگر در شرایط اسفبار بهداشتی وایمنی در مجتمع تولید صنعتی "شهید رجائی" در شهر ری مشغول به کار هستند. کارگران این کارخانه علیرغم آنکه ظاهرا تحت پوشش قانون کار هستند، ازطرح طبقه بندی مشاغل، حق سنوات، حق افزایش تولید، حق سختی کار وتعطیلات تابستانی محرومند. حداقل وسائل ایمنی از قبیل کلاه، کمربند ایمنی، کفش ایمنی و . . . در اختیار کارگران قرار نمیگیرد. درپی شکایت ۱۳۰ تن از کارگران این مجتمع به اداره کار شهر ری، این اداره بازرسی را به منظور مشاهده شرایط کار کارگران به کارخانه روانه نمود. کارفرما که از قبل از ورود بازرس مطلع بود، با ظاهر سازی چنین وانمود ساخت که شرایط ایمنی کارخانه مساعد است وکارگران از وسائل ایمنی لازم برخوردارند. اعتراضات کارگران به شرایط طاقت فرسای کار وهمچنین پائین بودن کیفیت غذا به نحوی که اکثر کارگران به ناراحتی گوارشی مبتلا شده اند ، همچنان ادامه دارد.

شرایط شدیدا غیر بهداشتی کار درکارخانه پنبه نسوز نهبندان

کارگران کارخانه پنبه نسوز ایران واقع درنهبندان استان خراسان در شرایط بسیار خطرناك بهداشتی به کار واداشته شده اند. شرایط کار دراین کارخانه به قدری غیر بهداشتی ومخاطره آمیز است که کارشناسان وزارت بهداشت نیز ناگزیر به آن اعتراف می نمایند . یك کارشناس وزارت بهداشت پس از بازدید از شرایط کار کارگران دراین کارخانه اظهار داشت : «شرایط فعلی کارخانه به دلیل قدیمی بودن وفرسوده شدن ماشین آلات برای سلامتی کارگران مضر است » . وی افزود: «گردو غبار والیاف آزبست بیش از حد متوسط در ناحیه تنفسی کارگران وجود دارد که از نقطه نظر بهداشت حرفه ای، بیماری زا وخطرناك است . » وی گفت وسائل حفاظت فردی کارگران کیفیت مطلوب راندارد، تسهیلات بهداشتی از قبیل حمام ورخت کن وجود ندراد وآنچه هست ناقص وغیر قابل استفاده میباشد. لازم به ذکر است حتی براساس قوانین ومقررات کار جمهوری اسلامی، این کارگران بنابر شرایط غیر بهداشتی وزیان آور کارشان باید هر ٦ ماه یکبار مورد معاینه پزشکی قرار بگیرند اما روشن است که از این معاینات پزشکی نیز خبری نیست .

« ارزیابی مجدد » واخراج کارگران باسابقه شهرداری اراک

اخیرا شهرداری اراك ترفند جدیدی برای اخراج کارگران باسابقه بکار گرفته است. درشهرداری اراك کارگران باسابقه بیش از ۱۰ سال کار، مورد "ارزیابی" مجدد قرارمیگیرند، تعدادی دوباره استخدام میشوند ومابقی اخراج میگردند. این شیوه موذیانه اخراج کارگران، شدیدا مورد اعتراض کارگران قرارگرفته وهراس از بیکاری را درمیان کارگران باسابقه دامن زده است .

✱ در پی تجمع تعداد کثیری از کارگران صنعت نفت تهران درمقابل خانه کارگر با خواست رسیدگی به مطالبات ومشکلات کارگران پالایشگاه تهران، جایگاههای سوخت رسانی، انبار نفت وشرکت گاز مرکزی که درتاریخ ۱۷ مرداد برگزار شد وبا دادن وعده های عوامفریبانه و شناسائی ودستگیری تعدادی از کارگران، پایان داده شد، وزارت نفت و خانه کارگر سخت به تکاپو افتاده اند که هریك به شیوه خود، کارگران را آرام نمایند وبادادن وعده و وعید، از گسترش حرکات اعتراضی آنان ممانعت بعمل آورند. درهمین راستا روز ۲۱ مرداد ٤۰۰ تن از کارگران پالایشگاه تهران جهت طرح خواستها ومشکلات کارگران، به محل وزارت نفت برده شدند. آقازاده وزیر نفت درنمازخانه این وزارتخانه با کارگران دیدار کرد، عوامفریبانه درباره اهمیت وارزش کار کارگران وبویژه کارگران نفت برای جامعه دادسخن داد واعلام آمادگی کرد درجهت حل معضلات ومشکلات کارگران از جمله اجرای طرح طبقه بندی مشاغل، تحت پوشش قانون کار باقی ماندن کارگران صنعت نفت ودریافت وام مسکن کارگران ، تلاش کند.

دو هفته بعد محجوب دبیر کل خانه کارگر نیز در جلسه انجمن صنفی کارگران شرکت ملی گاز ایران حضور یافت وضمن تعریف وتمجید از کارگران صنعت نفت، دراشاره به حرکت اعتراضی کارگران در ۱۷ مرداد، به کارگران رهنمود داد "برای دست یابی به این اهداف باید جو آرامش برمحیط های کارگری حاکم گردد. »

کارگران سیلو خواستار بازگشت به کار شدند

۱٤۰ تن از کارگران سیلوی ترانزیتی "بندرامام خمینی" خواستار بازگشت به سرکارهای خود شدند. این کارگران طی یادداشتی به روزنامه سلام نوشته اند "ماتعداد ۱٤۰ نفر از تاریخ ۷۳،٤،۸ به علت حادثه انفجار بیکار هستیم" آنها در یادداشت اعتراضی خود چنین اضافه کرده اند که "پس از چندین بار تماس با نماینده ماهشهر در مجلس ونیز فرماندار این شهر، مساله بیکاری ماهمچنان لاینحل مانده است. » ناگفته نماند که اداره کارحکم بازگشت به کار این کارگران را از تاریخ ۷٤،۸،۷ ونیز پرداخت خسارت ناشی از بیکاری آنها را صادرو به "اداره کاربندر امام خمینی" ابلاغ نموده است، معهذا این کارگران کماکان بیکار و بلاتکلیف مانده اند.

✱ بخشنامه وزارت کار به موسسات وشرکتهای تولیدی وخدماتی که کارفرمایان را مجاز میگرداند کارگران را بطور موقت وبدون هیچگونه تامین ومزایائی به کار بگمارند، دست سرمایه داران را دراخراج کارگران با سابقه باز کرده است. دربسیاری از کارخانه ها از جمله سیمان مشهد، کارگران باسابقه با دستاویز قرارگرفتن بخشنامه جدید وادار به امضای قرارداد موقت چند ماهه ای میشوند وپس از اتمام مدت این قرارداد، از تمدید قرارداد کار با آنها خودداری میشود ودرنتیجه اخراج میگردند.

✱ اخراج گروهی کارگران کارخانه پشم شوئی وریسندگی ایلام همچنان ادامه دارد. مدیریت این کارخانه در صدد تعطیل تدریجی آن است واز اینرو از مدتی پیش کارگران کارخانه را به بهانه نبودن کار، در گروههای چند نفره اخراج می نماید. این اخراجها در شرایطی صورت میگیرد که به اعتقاد کارگران، کارخانه از نظر تامین مواد اولیه وماشین آلات با مشکلی مواجه نیست .

بیکاری

روز ۲۱ شهریور یکی از نمایندگان در مجلس عنوان کرد ٤٥۰ هزار بیکار با تحصیلات دانشگاهی و ۷۹٦ هزار با مدرك تحصیلی دیپلم متوسطه بیکار هستند. ازسوی دیگر روزنامه سلام نوشت فارغ التحصیلان در گروه پزشکی عمدتا یا بیکارند و یا از کار خود رضایت ندارند. با وجودآنکه تعدادپزشکان وفارغ التحصیلان این رشته نسبت به استانداردهای بین المللی بسیار پائین است، معهذا دولت حتی قادر به استخدام ۲۰٪ این نیروها نیز نمی باشد.

کارگران بدنبال مسکن

۳۰۰ تن از کارگران گروه صنعتی بنز خاور که همگی عضو تعاونی مسکن بوده وبا هزار قرض وزحمت چندین سال قبل توانسته بودند قطعه زمینی را درشهرك دژبان جنب شهرك راه آهن خریداری نمایند تا شاید بتوانند سرپناهی برای خود واعضاء خانواده شان تهیه کنند، اکنون بعد از ۹ سال شهرداری تهران بآنها جواز ساختمان نمیدهد وفقط برای ۱۰ درصد این قطعه زمین مجوز ساختمان صادر کرده است. کارگران نسبت به این مساله اعتراض کرده ومی گویند ما که ۳۰۰ نفر هستیم ضمن اینکه هر خانوار ما شش، هفت نفر میباشد، ده درصد زمین را می خواهیم چکار کنیم؟ این کارگران طی ارسال یادداشتی به روزنامه سلام، اعتراض خویش را منعکس کرده اند.

دستگیری مخالفین رژیم

مدیر کل سازمان اطلاعات وامنیت استان مازندران دراوائل شهریور ماه عنوان کرد که اعضای یك گروه بنام "گروه کاوه" که درخرداد ماه شناسائی شده بودند، دستگیر شده اند. وی در مورد این گروه که تحت عنوان "یك تیم ضد انقلاب" از آن یاد نمود چنین اضافه کرد، اعضاء این تیم شب نامه واطلاعیه علیه امام راحل ومسئولان نظام را درسطح این استان توزیع میکردند و قصد داشتند بانکها ومراکز قرض الحسنه در شهرهای بابل، ساری وآمل را منفجر کنند » !

سرکوب برنامه ریزی شده

در گردهمائی مسئولان "حراست" دانشگاهها وموسسات آموزش عالی که از ۱۹ الی ۲۲ شهریور

برگزار گردید، باردیگر براسلامی شدن دانشگاهها تاکید شد. دراین گردهمائی ضمن بررسی مسئولیت های حراست دانشگاهها، برنقش آنها در شناسائی نیروهای مخالف تاکید شد. وزیر فرهنگ وآموزش عالی نیز عنوان کرد که حراست ها بایستی جهت گردآوری اطلاعات برنامه ریزی داشته باشند او از جمله پیشنهاد نمود بانکی تحت عنوان "بانك اطلاعات حراست " تاسیس شود.

یک میلیون قبضه اسلحه

احمد قدیریان نماینده دادستان کل کشور اواسط شهریور ماه در جمع خبرنگاران اعلام کرد، تعداد سلاح های غیرمجاز در سطح کشور حدود یك میلیون قبضه برآورد شده که تاکنون حدود ۱۵۰ هزار قبضه انواع مختلف سلاح ومهمات نظامی تحویل داده شده است. نامبرده یکبار دیگر تهدید نمود چنانچه دارندگان اسلحه، سلاح های خود را تا مهلت تعیین شده تحویل ندهند، برحسب نوع استفاده از سلاح، به حبس از ۳تا ٦ سال ویا اعدام محکوم خواهند شد. آخرین تاریخ تعیین شده پس از چند بار تمدید، بیست ودوم مهرماه است. این کوشش ها بیش از هرچیز وحشت ونگرانی رژیم را از وجود اسلحه در دست مردم نشان میدهد.

مقنعه باید به رنگ تیره باشد

درادامه سیاستهای سرکوبگرانه وتضییق حقوق زنان روابط عمومی اداره کل آموزش وپرورش رژیم درتهران طی انتشاراطلاعیه ای در اواسط شهریور ماه، رنگ لباس ومقنعه دختران دانش آموز را به شرح زیر تعیین کرد.

رنگهای مناسب برای مانتو وشلوار، طوسی، خاکستری، کرم، سرمه ای، سدری، قهوه ای ومشکی. رنگ مقنعه نیز در مقطع راهنمائی ومتوسطه بایستی مشکی، سرمه ای، خاکستری، طوسی ویا قهوه ای باشد. ناگفته نماند که آموزش و پرورش به دانش آموزان مقطع ابتدائی تخفیف داده وبه آنان اجازه داده شده است از مقنعه به رنگهای سفید، آبی، صورتی وسبز روشن نیز استفاده کنند ! در همین اطلاعیه تاکید شده است ، مدارس مجاز نیستند به میل خود رنگ روپوش دانش آموزان را تغییر دهند.

وزیر کشور درمجلس

درپی اعتراض نمایندگان استان خراسان در مجلس به عزل استاندار این استان توسط وزیر کشور واینموضوع که بشارتی بدون مشورت با رفسنجانی وهیات وزیران اقدام به عزل استاندار خراسان نموده است، عنوان کردند که بشارتی بصورت "خطی" عمل کرده ودر حمایت از یك جناح دست به این اقدام زده است. بشارتی ضمن حضور در مجلس ودرپاسخ به آنها گفت که عزل استاندار خراسان از اختیارات او بوده است. او همچنین عنوان کرد که وزارت کشور کمترین تغییرات را داشته است. روزنامه سلام در همین رابطه عنوان کرد که وزارت کشور درست درآستانه برگزاری انتخابات مجلس بیش از ۱۷۰تن از مسئولان، استانداران ، فرمانداران ومقامات مشابه آنرا از کار برکنار کرده است. بهرحال هم اکنون بحث استیضاح وزیر کشور مطرح است .

شاخص قیمت ها

براساس گزارش آمار اقتصاد بانك مرکزی، شاخص بهاء عمده فروشی کالاها در خرداد ماه سال جاری نسبت به ماه مشابه سال قبل ۳۱,۱ درصد افزایش داشت. همچنین براساس همین گزارش شاخص بهاء عمده فروشی کالاها درایران درخرداد سال ۷٤ نسبت به مدت مشابه سال ۷۳ به میزان ٦٦,۷ درصد افزایش داشته است .

✱ مدیر اداره کشاورزی شهرستان ساوه اعلام کرد تولید گندم این شهرستان درسال زراعی جاری از ۱٤۵ هزارتن به ۹۵ هزارتن کاهش یافته است. تولید گندم درمزارع آبی ۲۰ درصد ودر مزارع دیم بیش از ۳۳ درصد کاهش یافته است .

✱ بنا به گفته رئیس سازمان برنامه و بودجه استان گیلان، کمبود اعتبارات لازم سبب شده است ۱۸۰۰۰ پروژه عمرانی وصنعتی دراین استان ناتمام وبلاتکلیف بمانند. وی برآورد نمود که اتمام این پروژه ها به ۱۵۰ میلیارد ریال اعتبار احتیاج دارد.

✱ آقازاده وزیر نفت رژیم گفت طبق برنامه پنجساله دوم وپیش بینی های مربوطه، درآمدها از محل صدور نفت بایستی هفتاد میلیارد و٦۵۸ میلیون دلار باشد. وی اضافه کرد که این رقم حدود ۷۲ درصد بودجه را تشکیل میدهد.

✱ مدیر کل تعاون وتامین اجتماعی وزارت آموزش و پرورش در گفتگو با خبرنگاران اعلام کرد ٤۰ درصد ازفرهنگیان که رقمی حدود ٤۰۰ هزار نفر می باشند، فاقد مسکن هستند.

عاقبت خصوصی سازی

از سال ۱۳۷۰ تاکنون ۱٤٤ واحد تحت پوشش سازمان صنایع ملی به ارزش یك تریلیون و٤۰٦ میلیارد ٤٦٤ میلیون ریال به بخش خصوصی واگذار شده است. بنا به مندرجات روزنامه همشهری، نتایج یك بررسی که روی ٤۲ واحد از این شرکتهای واگذار شده بعمل آمده است، حاکی از آن است که تولید فقط در ۳۷ درصد وصادرات حدودا در ۲۳ درصد از این شرکتها افزایش داشته ودر عوض تولید ۵۰ درصد شرکتها و صادرات ۷۲ درصد آنها پس از واگذاری تغییری نکرده است. میزان تولید در ۱۳ درصد این شرکتها ونیز میزان صادرات در ۵ درصد آنها کاهش یافته است . اگر چه ارقام ارائه شده یقینا ارقامی واقعی نمی باشند معهذا همین ارقام نیز نشان میدهد که جریان خصوصی سازیها نیز نتوانسته است به رکود حاکم بربخشهای تولیدی پایان بخشد.

استثمار کارگران وغارت اموال عمومی

مدیر عامل شرکت شاهد در گفتگو با خبرنگار سلام ضمن ارائه توضیحاتی در مورد خرید سهام کارخانجات دولتی، شمه ای از فعالیت ها وسرمایه گذاریهای این شرکت را در زمینه های صنعت، کشاورزی ومسکن برشمرد. او گفت که این شرکت در سال گذشته ٤۰ درصد از سهام صنایع فلزی ایران، ٤۰ درصد از سهام کشت و صنعت جیرفت وشهریار، ۲ درصد از سهام توسعه صنایع بهشهر ودر سال جاری نیز ۵۷ درصد از سهام شرکت حمل ونقل وگسترش را از طریق"قانون واگذاری سهام دولتی به ایثارگران" خریداری کرده است. نامبرده همچنین اضافه کرد که این شرکت در سطح ۵۰ هزار هکتار از اراضی استانهای لرستان، ایلام، کرمان، آذربایجان شرقی وغربی وسمنان در خصوص ایجاد کشت وصنعت اقدام به احداث مزارع بزرگ وکارخانه های صنعتی وابسته به کشاورزی کرده است. درزمینه مسکن نیز این شرکت ۸ پروژه بزرگ درتهران ٤ پروژه ۵۰۰ واحدی در سایر استانها به اجرا درآورده است. نامبرده در پایان سخنان خود از بزرگترین مجتمع مسکونی، تجاری، اداری درتهران که با ۲۵۰ میلیارد ریال توسط این شرکت در دست احداث است یاد نمود واضافه کرد که چنین پروژه هائی بزودی در اصفهان، تبریز، فارس، زنجان وغیره نیز پیاده خواهد شد.

سران رژیم طی چند سال اخیر ودر تعقیب سیاست خصوصی سازی، بخشهای زیادی از صنایع، کارخانجات وسایر منابع تولیدی دولتی را دراختیار اعوان وانصار خود گذاشته اند که شرکت شاهد وکارگردانان آن یکی از همین نمونه هاست. دولت جمهوری اسلامی اموال غارت شده عمومی را به جیره خواران ومواجب بگیران خود می بخشد وآنان مجددا به استثمار کارگران وغارت مردم می پردازند.

اخبار کارگری جهان

زیمبابوه - بیش از ۱۸۰ هزارتن از کارگران وکارکنان بخش خدمات در زیمبابوه از روز ۲۰ اوت به منظور افزایش دستمزد وهمچنین بازگشت ۷۰۰۰ کارگر اخراجی، دست از کار کشیدند. این اعتصاب وسیع، به تعطیل مراکز دولتی از جمله بیمارستانها، خطوط هوائی، خدمات شهری و. . . انجامید. تهدیدات مکرر دولت برای جلوگیری از تداوم اعتصاب، موثر واقع نشد ولذا این اعتصاب ۲ هفته ادامه یافت تا سرانجام در ٤ سپتامبر، دولت وادار به تسلیم شد. اعتصابیون طی این حرکت پیروزمند، به مطالبات مطروحه دست یافتند، ۷۰۰۰ کارگری که به علت شرکت دراعتصابات ماههای اخیر، اخراج گشته بودند، به سرکارهای خود بازگشتند و۲۹ درصد اضافه دستمزد به کارگران تعلق گرفت .

روسیه - روز ۳ سپتامبر هزاران نفر از کارگران نیروگاههای برق روسیه در منطقه خاور دور در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدها از آوریل سال جاری، دست به یك اعتصاب نامحدود زده وضمن تحصن در محل کار، اعتصاب غذا کردند. روز ۱٦ سپتامبر ۱۶۳۰۰ تن از کارگران سایر نیروگاهها ومراکز صنعتی در حمایت از اعتصابیون، به آنان پیوستند وعلاوه برپافشاری برمطالبات فوق، خواهان برکناری دولت روسیه شدند. سرانجام دولت روسیه در هراس از گسترش این حرکت، ناگزیر به پرداخت بخشی از دستمزدهای معوقه شد. با این عقب نشینی، کارگران به اعتصاب غذای ۱٦ روزه خود پایان دادند، اما اعتصاب ۱۰ هزار نفر از آنان همچنان ادامه دارد. معدنچیان منطقه ورکوتا وکارگران نیروگاههای اتمی برق روسیه اعلام نمودند که به این اعتصاب خواهند پیوست.

پرتغال- ۱۵۰۰ تن از رانندگان قطارهای داخلی وخارجی به منظور بهبود شرایط کار از جمله برخورداری از ٤۵ دقیقه استراحت در روز وکاهش ساعات کار روزانه به ۹ ساعت، دست از کار کشیدند. درنتیجه این اعتصاب حمل ونقل مسافرین متوقف شد. با توقف حمل ونقل مواد اولیه، بسیاری از مراکز تولیدی به تعطیل کشانده شد. اعتصابیون در ششمین روز اعتصاب، به مطالبات خود دست یافتند.

ونزوئلا- روز ۲۹ اوت سال جاری، هزاران کارگر در کاراکاس به منظور افزایش دستمزدودریافت مزایای معوقه ، دست از کار کشیدند وبه راهپیمائی به سوی کاخ ریاست جمهوری پرداختند. پلیس جهت جلوگیری از تجمع اعتصابیون در روبروی کاخ، در مسیر راهپیمائی به حمله وحشیانه به تظاهرکنندگان پرداخت وضمن شلیك گاز اشك آور وضرب وجرح تظاهر کنندگان سعی در متفرق نمودن آنان نمود. سپس اعتصابیون با تغییر مسیر، با تجمع در اتوبان اصلی پایتخت ، راه بندان ایجاد کردند.

این از سلسله اعتصاباتی است که درچند ماه اخیر دراعتراض به عدم پرداخت اضافه دستمزدها ومزایای مصوبه، صورت میگیرد. با اینکه نرخ تورم دراین کشور به ۱۱۲ درصد افزایش یافته معهذا دستمزدها همچنان ثابت مانده است .

آرژانتین- بیش از ۵۰ هزارتن از کارگران آرژانتین به دعوت سندیکاهای عمومی کارگران این کشور(CGT) دست به یك اعتصاب ۲٦ ساعته زدند. این حرکت که دراعتراض به سیاستهای اقتصادی دولت آرژانتین انجام گرفت، به تعطیل مدارس، بانکها، مراکز دولتی، بیمارستانها وحمل ونقل شهری انجامید. اعتصابیون ضمن راهپیمائی در بوننوس آیرس، درمیدان مرکزی این شهر تجمع کردند وخواستار پایان دادن به برنامه های اقتصادی دولت شدند.

آلمان- روزهفتم سپتامبر در اعتراض به برنامه ریاضت اقتصادی دولت آلمان، تظاهرات های وسیعی درشهرهای برلین، هامبورگ، لایپزیك، دورتموند ، اشتوتگارت، لودویگزهافن برگزار شد. قریب به ۲۵۰ هزار تن از کارگران دراین روز مخالفت خود را با این برنامه به نمایش گذاردند.

* - در اعتراض به کاهش ۲۰ درصد از دستمزد کارگران در دوران بیماری، روز ۲٦ سپتامبر بیش از ۲۰ هزارتن از کارگران کارخانه های سازنده قطعات یدکی بنز در حومه اشتوتگارت دست از کار کشیده وبه تجمع در مقابل کارخانه پرداختند. آنان اعلام نمودند تا لغو تصمیم اخیر گروه صنعتی دایلمر - بنز به حرکات اعتراضی خود ادامه میدهند.

* - طبق آمار رسمی در ماه اوت تعداد بیکاران در آلمان ۳,۹۰۲۰۰۰ بوده که این تعداد نسبت به ماه مشابه درسال قبل، ۳۲۳۵۰۰ افزایش داشته است. هم اکنون نرخ بیکاری در آلمان ۱۰,۲ درصد است. نرخ بیکاری در شرق آلمان ۱۵ درصد ودر غرب آلمان ۹ درصد میباشد. تعداد بیکارانی که از حقوق بیکاری برخوردارند ۳,۲۶ میلیون نفر است . آمار منتشره همچنین نشاندهنده افزایش هزینه زندگی در آلمان می باشند. درغرب آلمان هزینه ها ۱,٤ درصد ودر شرق ۱,۸ درصد افزایش یافته است.

دانمارک- روز ۱۹ سپتامبر ٤۰۰ تن از کارگران یك کارخانه سازنده قطعات یدکی ماشین آلات صنعتی وکامیون M.A.N در شهر Holeby برای افزایش دستمزدها به میزان ۳,۵ درصد، دست به یك اعتصاب نامحدود زدند. مدیریت این کارخانه که در ابتدا اعلام نمود درسال جدید، دستمزدها افزایش نخواهد یافت، بالاخره روز ۲٤ سپتامبر مجبور به افزایش ۳ درصد بردستمزدها شد واعتصاب پایان یافت.

انگلستان- به دعوت اتحادیه RMT روز ۱۱ سپتامبر رانندگان قطارهای بین شهری انگلستان برای چندمین بار متوالی به منظور بهبود شرایط کار وافزایش دستمزد دست به یك اعتصاب یك روزه زدند.

سوئد- طبق آمار رسمی در سوئد تعداد بیکاران این کشور ۷۳۵۷۳۱ نفر است که این تعداد ۳۳۰۰۰ نسبت به سال قبل افزایش یافته است. طی سال گذشته ۷٤۰۰ تن بیکار شده اند که سه چهارم آنان را زنان تشکیل میدهند. آمار فوق حاکی از افزایش شاغلین نیمه وقت است. تعداد این افراد ۱۳۳۹۱۳ نفر است که نسبت به سال قبل ۲۲۰۰۰ افزایش داشته است.

فرانسه

* روز ۱۳ سپتامبر ۹۰ درصد کارگران Socataیکی از کارخانجات هواپیما سازی «آنرواسپاسیال» به دعوت سندیکاهای ث. ژ. ت ، FO,CFDTدست از کار کشیدند. کارگران دراعتراض به اخراج ۲۵۱ تن وانتقال ۱۵۰ نفر دیگر از کارگران به سایر شعبه های این کارخانه درشهرهای تولوز، نانت، سن نازر به تجمع در مقابل کارخانه پرداختند.

* پلیس فرانسه با حمله وحشیانه به کارگران « اپه » که از پنج ماه پیش در اعتصاب به سر میبرند وکارخانه را به اشغال خود درآورده بودند، آنها را دستگیر وازمحل اعتصاب بیرون کرد. فدراسیون ذوب آهن ث. ژ. ت طی اطلاعیه ای ضمن محکوم نمودن اقدام پلیس، خواهان حفظ ۶۳ شغلی است که قرار است حذف شود. این اطلاعیه همچنین خواستار آزادی دو تن از اعضاء سندیکا که درجریان حمله پلیس دستگیر شده اند، شده است.

اعتصابات در راه آهن فرانسه

* پس از اعتصابات زمستان گذشته کارگران راه آهن، مدیریت شرکت ملی راه آهن فرانسه(SNCF) «بازسازی خدمات وتعدیل نیروی انسانی» را ٦ ماه به تعویق انداخت. با پایان این مهلت ، کارگران راه آهن شهر مارسی از ۲۱ سپتامبر در اعتراض به تغییر ساعات کار وحذف ٦٤ پست دست از کار کشیدند. ◄

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

گزیده ای از نامه های رسیده

● نامه ای از سوند به آدرس سازمان ارسال شده است با امضای م. رفیق ارسال کننده نامه ضمن اشاره به اینکه در گذشته با سازمان فعالیت داشته است، خواستار دریافت نشریه کار شده ودرپایان پرسیده است: « آیا سازمان مورد علاقه من به آن حدی از رشد ودمکراسی رسیده است که من بتوانم اگر نظری دارم (حتی اگر مخالف) در اختیار رفقای فدائی بگذارم وجوابی مناسب حال سوالم دریافت کنم؟ آیا برخلاف سابق میشود انتقاد کرد بدون اینکه انسان به لجن کشیده شود؟ »

در پاسخ به این سوال لازم است گفته شود: حتما، رفیق گرامی میتوانید نظر خود را (حتی اگر مخالف)، مطرح کنید وپاسخ دریافت نمائید. در رابطه با قسمت آخر سوالتان مبنی براینکه « آیا برخلاف سابق میشود انتقاد کرد بدون اینکه انسان به لجن کشیده شود» متوجه منظور شما نشدیم. به عبارت دیگر متوجه ارتباط انتقاد کردن وبه لجن کشیده شدن نشدیم. بهر حال باعث خوشحالی ماست که نظرات خود را در زمینه مسائل سیاسی، نظری و جنبه های دیگر فعالیت سازمان، چه موافق باشند وچه مخالف، با ما درمیان بگذارید. برایتان آرزوی موفقیت داریم.

● رفیقی بنام گ. آ از هلند ضمن ارسال نامه ای به آدرس سازمان، ۵ سوال مطرح نموده و خواهان پاسخ شده اند. به اطلاع رفیق فرستنده نامه میرسانیم به سوالات طرح شده در شماره های بعدی نشریه کار در ستون "پاسخ به سوالات" جواب داده خواهد شد. در پایان نامه شعری نوشته وارسال شده است ، با این توضیح که : "همراه این نامه شعر گونه ای را به رفقای فدائی که زیباترین سرود رهائی را درسرزمینم آواز داده اند، هدیه میکنم. "

چریک . . .
غمگسار. . . یاور . . .
بایدت دوباره فریادی
که سکوت بیداد میکند . . .
به خط ایستاده . . .
گورهای بی نشان
با رویانی سرخ
بر در ودیوار شهر . . .
مادران . . .
هنوزبرتن پوشِ خون رنگِ یارانت،
ناباوارنه به بهت . . .
نشسته اند،
اما . . .
انتظار در چشمهاشان
موج می زند . . .
سرودی دوباره بایدت ،
که سیاهکل . . .
هنوز . . .
در عطش فرمانِ آتشت،
دیده براه است .
« گیل آوایی »

● رفیقی بنام م. از کانادا با ارسال نامه ای به آدرس سازمان، ضمن اشاره به نقش شبکه کامپیوتری "اینترنت" در ارتباطات امروز، از جمله افزوده اند: « شخصا معتقدم که رفقای اقلیت باید دراین زمینه از خود فعالیت بیشتری به خرج دهند وبه عنوان رهنمود به دیگر هواداران خود یادگیری وبکارگیری شبکه اینترنت را توجیح وتوصیه کنند. ما بخوبی میتوانیم دراین زمینه از خود قابلیت های با ارزشی نشان دهیم مامیتوانیم نشریه کار را درشبکه اینترنت دراختیار علاقمندان بگذاریم ومیتوانیم کلیه نشریات کاررا برروی CD تکثیر کنیم وبه فروش برسانیم وازاینطریق مشکل مالی را تاحدودی حل کنیم. » در ادامه نامه اشکال دیگری جهت تبلیغ مواضع سازمان و همچنین کسب درآمد مورد بحث قرار گرفته اند.

رفیق گرامی، همانگونه که دراین شماره نشریه کار اعلام شده است، سازمان در جهت استفاده از "اینترنت" برای تبلیغ مواضع خود اقدام کرده است وهم اکنون نشریه کار، ومطالب دیگری به زبانهای فارسی، انگلیسی وفرانسه در غرفه ای برروی شبکه "اینترنت" موجودند. در زمینه آرشیو کردن نشریه کار بر روی CD ویا سایر پیشنهاداتتان، ضمن استقبال از این پیشنهادات، از شما میخواهیم امکانات عملی مشخصی را که دراین زمینه دارید، با رفقای تشکیلات خارج سازمان درمیان بگذارید. پیروز باشید.

تقویت نیروی نظامی آمریکا ...

که اگراین کشمکش ها به یك درگیری نظامی تبدیل گردد، این توده کارگروزحمتکش ایران هستندکه ازآن لطمه میبینند. ازیك سو بامصائب وفشارهای ناشی ازدرگیری های نظامی روبروخواهندبودوازسوی دیگررژیم ارتجاعی حاکم برایران تلاش خواهدکرد بادست آویز مبارزه با آمریکافشارهای سیاسی واجتماعی به مردم راتشدید کندوموقعیت خودرامستحکم نماید. لذاتوده کارگروزحمتکش ایران ازهم اکنون مخالف سیاستهای ارتجاعی جمهوری اسلامی وآمریکاهستند وباتوجه به تجربه جنگ دولتهای ایران وعراق ، بخوبی میدانندکه هرگونه درگیری نظامی وجنگ میان نیروهای آمریکاونیروهای مسلح جمهوری اسلامی بکلی مغایر منافع آنهاست . درعین حال منافع مردم زحمتکش ایران ومنطقه در این است که نیروهای مسلح آمریکائی ازمنطقه خارج شوند. بدیهی است که امپریالیسم آمریکا بخواست مردم منطقه تن نخواهدداد، وبرای حفظ منافع امپریالیستی اش به نظامی گری وسیاست های تجاوزکارانه نظامی خوددرمنطقه ادامه خواهدداد. نتیجه این سیاست تشدیدتضادهاو بحران های منطقه است . لذاخاورمیانه بسوی بحران های ژرف تروتضادهای حادتری پیش میرود. دراین اوضاع وظیفه نیروهای انقلابی منطقه است که کارگران وزحمتکشان کشورهای منطقه راعلیه امپریالیسم وارتجاع داخلی بسیج کنندونظم موجودراازریشه دگرگون سازند.

اخبار کارگری جهان

● روز ۳۰ سپتامبر کارگران راه آهن شرق پاریس نیز حول خواستهای مشابه، اعتصاب خود را آغاز کردند. این اعتصاب که به فراخوان سندیکاهای ث. ژ. ت ، FEAAG,CFDT صورت گرفته بود با موفقیت پایان یافت .

بیکاری در فرانسه - طی ماه اوت ۹۶ تعداد ۳۹ هزارنفربه بیکاران فرانسه افزوده شده است. مجموع بیکاران فرانسه سه میلیون نفر است که ۱۲،۵ درصد جمعیت فعال این کشور را تشکیل میدهد. بیش از نیمی از بیکاران از برخورداری از هرگونه بیمه بیکاری محروم اند. درسال ۱۹۹۳، ۵۵،۸ درصد ازبیکاران از بیمه بیکاری برخوردار بودند درحالی که درحال حاضر این رقم به ۴۶،۷ درصد کاهش یافته است.

● روز ۳۰ سپتامبر بیش از ۷۵ درصد از مجموع ۸۲۷۰۰۰ کادر آموزشی مدارس فرانسه دراعتراض به حذف ۵۰۰۰ شغل دست به یك اعتصاب سراسری زدند. باحذف این مشاغل، تراکم دانش آموزان در کلاسها از ۳۰ نفر تجاوز خواهد کرد.

● طی ماههای گذشته همزمان با اخراج کارگران آفریقائی از فرانسه، کشورهای آنگولا وساحل عاج، هزاران تن از کارگران مهاجر کشورهای هم جوار رااخراج نمودند. کارگرانی که از کشورهای مالی، نیجریه وگینه در جستجوی یافتن کار راهی سایر کشورهای آفریقائی شده بودند، بتدریج اخراج میگردند.

زنده باد سوسیالیسم

تحولات آتی ومیلیتاریزم بیشتر

وازبروزبسیارمسائل جلوگیری کنیم» آنگاه به نیروهای تحت امرخودچنین رهنموددادکه « بسیجیان نیزدرهرکجاکه هستنددرسنگردانشگاه، صنعت، کار، تلاش وایستادگی کنند»! « بسیجیان بایستی همواره پشت سررهبری راه رابرای دیگران نشان دهند» وخلاصه درانتهای سخنان خودیکباردیگرضمن تاکید برتابعیت وپیروی خودازخامنه ای، نیروهای سپاه وبسیج راتحت عنوان» دفاع ازاصول وارزش های نظام» به مداخله بیشتردرامورسیاسی تشویق نمود. (نقل قول هاازسلام ۲۴ شهریور۱۳۷۵)

این سخنان باردیگرمسئله مداخلات سران سپاه درامورسیاسی رابه روزنامه هاکشاند. پاره ای ازنمایندگان مجلس ومقامات دولتی نیز به انتقاد ازاین شیوه پرداختند روزنامه سلام نیزتلویحا به این موضوع ایرادگرفت. معهذابرغم همه اینهامحسن رضائی درمصاحبه اش باروزنامه سلام باپررونی کم نظیری حمایت ازجناح خامنه ای درزمان انتخابات ودخالت سپاه پاسداران درمسائل سیاسی راانکارنمودوعنوان کردکه سپاه درمسائل جناحی وگروه گرائی دخالت نمیکنداما « اگر یك وقت منازعات جناحی بنحوی شودکه اصل انقلاب موردخطر قراربگیرد طبیعی است که نیروهای انقلاب وبسیجی هاونیروهای حزب الهی احساس وظیفه میکنندوازاصل انقلاب دفاع کنند» (سلام ۲۵ شهریور۷۵) [تاکید از ماست] روزنامه سلام این سخنان رضائی راچاپ نمود بدون آنکه جرات آنراداشته باشد حول وحوش آن چیزی بگویدویادروغ آشکاررضائی وتمایل روزافزون وی به حضورومداخله درامورسیاسی کشوررافشاکند.

رژیم را گزیری از تیمار سپاه نیست

تردیدی نیست که فرمانده کل قوادراختلافاتش باجناحهای رقیب ودرتلاش برای قبضه تمام قدرت ازنیروی مسلح سپاه پاسداران ونیروهای جانبی وابسته به آن به نفع خود و جناحش سودجسته است وکماکان همین هدف رانیز تعقیب میکند وبازدراین مسئله هم تردیدی نیست که سپاه پاسداران بااشاره واجازه خامنه ای وارد این عرصه شده وبه قدرت نمائی میپردازد. امااین تمام مسئله نیست . اولا وظیفه این مهمترین نیروی مسلح رژیم به هیچوجه به کوتاه کردن دست جناح های رقیب ازقدرت ختم نمیشود، بلکه مهمترین وظیفه سپاه پاسداران سرکوب جنبش انقلابی واعتراض توده ای و« حفظ » حکومت اسلامی والهی است . ازاین گذشته ، این درست است که خامنه ای اذن به جولان سپاه داده است، امااواین قدرت راقبل ازهرچیزدرچنگ وبفرمان خودش میخواهدونسبت به خارج شدن احتمالی آن ازچنگش نمیتواند نگران نباشد. اودردیدارش بافرماندهان ومسئولان سپاه وقتی که بآنان گفت « ازنظراغلب قدرتمندان نیروهای مسلح برای قبضه کردن ارکان قدرت دردست قدرت طلبان بکارگرفته میشود» تاحدی به این نگرانی اشاره داشت وضمن « مزمت »این مسئله وظیفه نیروهای مسلح رابدینگونه ترسیم نمود «وظیفه نیروهای مسلح گسترش عدل جلوگیری ازطغیان وکوتاه کردن دست قدرت طلبان بی منطق وحفظ قدرت الهی » است. کاراصلی سپاه بایستی «حفظ ارزش ها» باشد. اگرچه رضائی فرمانده سپاه پاسداران درهمین دیداربادیگر« آمادگی سپاه رادرپیروی ازفرامین رهبرمعظم انقلاب اسلامی اعلام کرد» (کاروکارگر۲۷ شهریور۷۵- تاکیدازماست) . بااین وجودچنین بنظرمیرسدکه نگرانیهای حاصله ازمطرح شدن سپاه پاسداران ومداخله روزافزون آن درمسائل سیاسی ذهن پاره ای مقامات دولتی ودست اندرکاران حکومتی راکماکان بخودمشغول داشته است.

سخنان رفسنجانی درجلسه پایانی نهمین مجمع سراسری فرماندهان ومسئولان سپاه پاسداران ونیز سخنان رضائی فرمانده سپاه درهمان اجلاس نه فقط تاحدی شاهد این مدعاست ، بلکه درعین حال گویای این مسئله نیز هست که هریك ازجناحهای حکومتی میخواهدسپاه پاسداران رادرجبهه خودداشته باشدرفسنجانی دراین دیدارخطاب به سران سپاه گفت « ... سپاه باید برای همه مردم محبوبیت کنونی خودراحفظ کند..باید مردم راازخودبداند» رفسنجانی درداقع امردراینجا بازبان بی زبانی سپاه راازحمایت وجانبداری یك جانبه ازجناح رقیب پرهیز میدهد معهذادرادامه سخنانش سپاه رابه اطاعت ازرهبری فرامیخواندومیگوید» رهبری به مسئله آگاه است» و« سپاه باید باتمام صمیمیت » ! ، «رهنمودهاوفرمایشات ایشان رااطاعت کند» !

این موضوعی که رفسنجانی هم ازسپاه میخواهدباتمام صمیمیت ازخامنه ای اطاعت کند، بیشتراین برداشت رادامن میزندکه تحرك سپاه خارج ازمحدوده کنترل خامنه ای بخواهدرقم بخورد. این گفتارتوام بانگرانی، البته میتواندرقدرت طلبی وحرکات محسن رضائی بعنوان فرمانده مهمترین نیروی مسلح رژیم نیز ریشه داشته باشد. واما محسن رضائی هم درپاسخ به رفسنجانی درهمان اجلاس گفت که « سپاه وظیفه خودمیداندازارکان وشخصیت های انقلاب پاسداری کندودرسازندگی کشوراسلامی توان خودرادراختیارآنهاقراردهد» وبعدهم چنین اضافه کردکه « ماهمراه شمابوده ایم وخواهیم بود» . روشن است که درجریان اختلافات وتصفیه حسابهای جناحهای حکومتی، سپاه پاسداران نقش بسیارمهم وتعیین کننده ای میتواند ایفاکند. جناحهای حکومتی کوشیده وخواهندکوشیدازاین ابزاربنفع خوداستفاده نمایند. این اهرم اما برغم وعده رضائی به رفسنجانی مبنی براینکه درکناروی خواهد بود، عجالتا دردست خامنه ای است.نیازبه گفتن نداردکه استفاده جناحهای حکومتی ازاین اهرم علیه یکدیگر، نسبت به موضوع استفاده ازآن دربرابرمردم وسرکوب جنبش روبه اعتلاء توده ای ازاهمیت بمراتب کمتری برخورداراست. هم اکنون تمامی جناحهای حکومتی ازشرایط متحول جامعه ، تلاطمات آتی وبرآمدتوده ای بشدت نگران ووحشت زده شده واساسا برهمین پایه ناچارشده اندسپاه پاسداران رابوسط صحنه بفرستندوبه آن میدان بدهند. این موضوع نه فقط درسخنان خامنه ای که میگوید سپاه پاسداران باید جلو « طغیان » رابگیردوحکومت الهی راحفظ نماید منعکس است ، بلکه دراین گفته اخیروهشداردهنده رفسنجانی خطاب به مجموعه نیروهای مسلح رژیم که « دفاع تنهادرمرزهانیست » نیز انعکاس دارد. (سلام اول مهر ۷۵)

خلاصه آنکه مجموعه شرایط جامعه بگونه ای است که حکومت اسلامی بایستی ازهم اکنون نیروی مسلح دست پرورده خودراازهرجهت آماده کند وآماده نگاهش دارد. جریان اوضاع خارج ازاراده جناحهای حکومتی به سمتی پیش میرود که رژیم رابه پروبال دادن به سپاه پاسداران وتیز کردن بیش ازپیش سرنیزه آن کشانده است، ولوآنکه نسبت به چگونگی کنترل ومهارآن هم تصورروشنی نداشته باشد، این اولا ودوم اینکه مطرح شدن محسن رضائی فرمانده سپاه پاسداران مداخلات سپاه درامورسیاسی ولودرکوتاه مدت بخواهدکفه قدرت رابنفع این یا آن جناح حکومتی سنگین کند، امادراساس بقصد سرکوب جنبش انقلابی واعتراض توده ای است که چشم انداز تحولات آتی آنرانوید میدهدودرتشدید تضادها نیز هرآینه ممکن است فوران کند.

* کشتار مردم فلسطین

سیاستهای ارتجاعی کابینه دست راستی های افراطی اسرائیل به رهبری نتانیاهو، سرانجام پاسخ مناسب خودرادرخشم واعتراض وسیع توده های مردم فلسطین درمناطق اشغالی یافت .

درنخستین روزهای ماه جاری دهها هزارتن ازمردم فلسطین دراعتراض به سیاست اشغالگرانه دولت اسرائیل واقدامات تحریك آمیز آن به خیابانها ریختندونبردسختی میان مردم فلسطین بااشغالگران اسرائیلی بوقوع پیوست. رژیم اسرائیل که جز زبان زوروسرکوب چیزی نمیفهمد، خیل عظیمی ازنیروهای مسلح خودرابه مقابله بامردم تحت ستم فلسطین گسیل داشت وبااستفاده ازسلاح سنگین، بیرحمانه مردم بی دفاع رابه گلوله بست ودهها فلسطینی رابخاك وخون کشید. اماخشم واعتراض مردم گسترده ترازآن بودکه این سرکوب آنهارامهارکند. مبارزه درابعادی دیگردرشهرهای مختلف فلسطین ادامه یافت وتابه امروزنیز ادامه دارد.

این تشدید مبارزه مردم فلسطین نتیجه منطقی ومابازاء سیاستی است که میخواهد یك ملت رادربندنگهدارد. کابینه دست راستی های افراطی اسرائیل که تجسم تمایلات توسعه طلبانه وزورگویانه مرتجع ترین نیروهای اسرائیلی است ، طی چندماهی که ازدوران زمام داری اش میگذرد عملا

◄

نشان داده است که مطلقا حقی برای ملت فلسطین قائل نیست وابداتمایلی نداردسرزمین های اشغالی فلسطین رابه مردم فلسطین بازگرداند. لذا برخلاف توافقات کابینه قبلی اسرائیل نه تنها ازبازپس دادن بخش دیگری ازمناطق اشغالی سرباززدبلکه دست به اقدامی زد که هدف آن سلطه بیشتراسرائیل براین مناطق است . درهمین حال تضییقات متعددی درمورد رفت وآمد وکارفلسطینی ها معمول داشت ، دست به یکرشته اقدامات تحریك آمیز زد، ایجادآبادی نشین های یهودی راازسرگرفت وغیره .

این سیاست هم هیچ نتیجه ای جزاین نمیتوانست درپی داشته باشد که مردم فلسطین رابه مبارزه ای جدی تردعوت کندوچنین نیز شدوباردیگرسرزمین های اشغالی به عرصه درگیری های شدید میان مردم فلسطین ونیروهای نظامی سرکوبگراسرائیلی تبدیل گردید.

کابینه دست راستی افراطی اسرائیل درهمین حال مناسبات خودراباحکومت خودمختارفلسطین ودولت های کشورهای عربی منطقه بشدت تیره ساخته است .

حکومت خودمختارفلسطین که موقعیت خودرابشدت درخطرمیبیندوازدوسو زیرفشاراسلام گرایان فلسطینی طرفدارجمهوری اسلامی ودولت اسرائیل قرارگرفته است، تهدید کرده است که چنانچه اوضاع براین منوال ادامه یابد، باردیگر ازمردم فلسطین خواهدخواست که قیام خودراعلیه اسرائیل گسترش دهند، امااین تهدیدات نیز کارسازنبوده ودولت اسرائیل روندمذاکرات رابابن بست روبروساخته است. وخامت اوضاع تابدانجا پیش رفت که دولت آمریکا باردیگرسران اسرائیل وفلسطین ، اردن ومصررادعوت به یك کنفرانس درآمریکا نمود. امادولت مصرکه ازقبل میدانست این کنفرانس هم چیز دیگری جز شکست درپی نخواهد داشت ، ازشرکت درآن امتناع ورزید وکنفرانس آمریکاهم عملا باشکست پایان یافت.

اکنون دولت آمریکا وقدرتهای اروپائی ، رژیم اسرائیل راتحت فشارسیاسی قرارداده تامگرازشکست قطعی روندصلح وسازش میان اعراب واسرائیل جلوگیری کنندوبن بست موجوددرمذاکرات رابشکنندامااین سیاست نیز تاکنون موثر نبوده است.

دولت اسرائیل اولا - باوقت گذرانی منتظر نتایج انتخابات ریاست جمهوری درآمریکاست تابرمبنای چگونگی پیشبردسیاست خودراتعیین کندثانیا - میخواهد بااعمال یك سیاست انعطاف ناپذیر، ازموضعی بالابرسرمیزمذاکره بنشیندومذاکرات رابرمبنای جدید آغاز کند، یعنی درواقع توافقات پیشین راکان لم یکن سازدوامتیازاتی بسیارکوچکتر وناچیزترازگذشته به اعراب وحکومت خودمختارفلسطین بدهد. واضح است که این سیاست نتیجه ای جزتشدیدتضادهاواختلافات درپی نخواهدداشت وسرانجام بیش ازپیش این حقیقت بنحوبارزتری خودرانشان خواهدداد که بارژیمی توسعه طلب وتجاوزکارنمیتوان مسئله ای باین مهمی نظیرمسئله فلسطین راحل کردوراه حل اساسی همانا مبارزه مردم فلسطین برای کسب حق تعیین سرنوشت وبیرون راندن قهری نیروهای اشغالگرازسرزمین های فلسطین است .

پی آمد تحولات افغانستان

وعدول از قوانین الهی را مستوجب مجازات و مرگ میداند، لذا مضحک است که جمهوری اسلامی طالبان را بخاطر اقدامات اسلامی اش مورد حمله قرار دهد. اما اصل این اختلاف درکجاست؟

جمهوری اسلامی با به قدرت رسیدن طالبان که یک دسته اسلام گرای، سنی مذهب هستند، همه سرمایه گذاری خود را درافغانستان برباد رفته می بیند. طالبان الگوی خود را عربستان سعودی میداند ونه جمهوری اسلامی ایران. طالبان به همانگونه با شیعه مذهبان طرفدار جمهوری اسلامی در افغانستان برخورد میکند که جمهوری اسلامی با سنی مذهبان ایران برخورد کرده است. طالبان بساط گروههای مذهبی طرفدار جمهوری اسلامی را درمناطق تحت سلطه خود برچیده است وسران جمهوری اسلامی را کافر ومرتد میداند. مدتی پیش بود که یکی ازرهبران طالبان سران جمهوری اسلامی را کافر ومرتد خواند وادعا کرد که پس از تسلط بر سراسر افغانستان برای برقراری یک حکومت اسلامی راستین درایران تلاش خواهد کرد. بااین دیدگاه طالبان جمهوری اسلامی نگران است که بزودی لااقل در منطقه سیستان وبلوچستان با معضلات جدی روبرو شود. یکی دیگر از دلائل درگیری جمهوری اسلامی با طالبان دراین است که نیروی ارتجاعی اسلامی سنی که شدیدا متعصب وقشری است به رقیبی برای جمهوری اسلامی تبدیل شود ودیگر گروههای اسلام گرای سنی مذهب راتحت نفوذ خود قرار دهد، اما گذشته از جمهوری اسلامی، به قدرت رسیدن طالبان معضلاتی برای برخی جمهوری های اتحاد شوروی سابق در آسیای مرکزی نظیر تاجیکستان پدید خواهد آورد ودامنه درگیری وجنگ دراین جمهوری ها نیز گسترش خواهد یافت، لذا از هم اکنون سران این دولتها به تدابیر مشترکی برای مقابله با صدور ارتجاع اسلامی از سوی طالبان دست زده اند. خلاصه کلام این که به قدرت رسیدن طالبان درافغانستان نه تنها عواقب وخیمی برای مردم این کشور بلکه برای برخی کشورهای همجوار افغانستان ببار خواهد آورد.

کمکهای مالی رسیده

آمریکا		
هواداران سازمان در آمریکا	۵۰	دلار
هواداران سازمان در آمریکا	۵۰	دلار
آلمان		
فدائی انترناسیونال	۲۰	مارك
فدائی انترناسیونال	۲۰	مارك
بدون کد	۷۵	دلار
هانوفر	۱۰۰	مارك
محمود بابائی	۵۰	مارك
شهید مجتبی دهقانی	۱۵۰	مارك
فرزانه	۵۰	مارك
داود	۵۰	مارك
بدون کد	۱۰۰	مارك
حمید اشرف	۵۰	مارك
سیامك اسدیان	۱۰۰	مارك
اتریش		
بدون کد	۱۵۰۰	شلینگ
بدون کد	۱۰۰	شلینگ
بدون کد	۱۰۰	کرون سوئد
دانمارک		
ESBJERG	۶۵۰	کرون
SKIVE	۱۰۰	کرون
اسکیو	۳۰۰	کرون
حمید اشرف	۳۰۰	کرون
سوئد		
عقاب سرخ	۱۲۰	کرون
یوته بوری	۲۰۰	کرون
نادر	۱۵۰	کرون
استکهلم - م	۷۰۰	کرون
سوئیس		
امیر کرد	۲۰۰	فرانك سوئیس
کیو	۲۰	فرانك سوئیس
فرانسه		
مبارزه کارگری	۲۵۰	فرانك
کانادا		
ونکوور	۱۰۰	دلار
تورنتو	۱۰۰	دلار
هلند		
بدون کد	۱۵۰۰	فلورن
بدون کد	۱۰۰۰	فلورن
برنامه	۵۰	فلورن
جوهر پرینتر	۱۳۹	فلورن
چاپ مجانی فرم اشتراك نشریه		

با کمکهای مالی خود

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران(اقلیت)

را یاری رسانید

یادداشتهای سیاسی

* تحولات آتی ومیلیتاریزم بیشتر

طی چند ماهه اخیر برتحرکات سپاه پاسداران بطور چشمگیری افزوده شده است.این تحرکات نه فقط در زمینه بسیج نیروهای سرکوب واجرای مانورهای مختلف نظامی در استانهای مختلف کشور بمنظور ترساندن مردم وبرای کسب آمادگیهای لازم جهت واکنش سریع در لحظات حساس، بوفور دیده میشود، بلکه همچنین در اظهار نظرهای مکرر فرمانده سپاه پاسداران ومداخله بیشتر او در امور سیاسی، تجلی می یابد.

جناح خامنه ای(جامعه روحانیت وموتلفین آن) بعد از آنکه در مرحله نخست انتخابات مجلس پنجم در برابر رقیبان خود که بر گرد رفسنجانی جمع شده بودند متحمل شکست گردید وتعداد قابل توجهی از کرسیهای مجلس را برخلاف انتظارش از دست داد، تقابل جدی تری را با این رقیب آغاز کرد. نتایج انتخابات که به شدت این جناح را نگران کرده بود واین نگرانی قبل از همه برزبان خامنه ای نیز جاری شد، او را به این چنین مقابله ای کشاند وبزودی دامنه عمل انصار حزب الله در ایجاد رعب ووحشت بیش از پیش گسترش یافت واز عرصه مبارزه با باصطلاح بدحجابی وامثال آن به تقابل آشکار با طرفداران رفسنجانی یعنی کارگزاران سازندگی وگروههای ائتلاف خط امام تعمیم یافت . بعبارت دیگر موضوع مبارزه علیه این جناح، عجالتا به کانون فعالیت وی تبدیل شد. سپاه پاسداران نه فقط انصار حزب الله را که در پوشش حمله به "لیبرالیسم" و "دفاع از ارزشهای انقلاب" به گستراندن بیش از پیش جو خفقان و وحشت در جامعه پرداخته وبرای جلوگیری از ورود طرفداران رفسنجانی به مجلس، سخت به فعالیت وتکاپو افتاده بودند، مورد حمایت نهان وآشکار قرارداد، بلکه خود نیز با انتشار یك لیست انتخاباتی از کاندیداهای جامعه روحانیت پشتیبانی نمود.

مداخله سپاه پاسداران درامرانتخابات که بمعنای مداخله آشکارنیروهای مسلح درامورسیاسی وطبق موازین قانونی حکومت اسلامی غیرمجاز بود، البته نمیتوانست بدون اشاره ومجوز خامنه ای باشد ونبود. خامنه ای یعنی فرمانده کل قوا، که ازناحیه تحرکات رقبای خود برسرمسئله انتخابات مجلس وریاست جمهوری وبویژه ازناحیه اثرات ناشی ازتشدید اختلافات وکشمکش های جناح های حکومتی برروی توده مردم، احساس خطرکرده بود، به نیروهای تحت فرماندهی خودندادادتامراقب اوضاع باشندورضائی فرمانده سپاه پاسداران نیز قدم به صحنه سیاسی گذاشت. رضائی درهمان مقطع درجمع نیروهای سپاه وبسیج گفت که سپاه وبسیج نباید درپادگان ها بنشینند وشاهدآن باشندکه به ارزش های انقلاب حمله بشودوبگویندبمامربوط نیست. اوهمچنین گفته بود" وقتی ایشان (یعنی خامنه ای) بصراحت از یك خطری اسم میبرند واحساس خطرمیکنند" ، دیگرجائی برای بهانه باقی نمیماندو" باید بیائیم درصحنه "، رضائی همچنین گفته بودکه " پاسدارانقلاب اصلاوظیفه اش اینست که دراین مسائل ودرسیاست انقلاب دخالت کند". مداخلات سپاه درانتخابات وسخنان رضائی اگرچه درمیان طیف نیروهای طرفداررفسنجانی اینجاوآنجا اعتراضات خفیف وملایمی رابرانگیخت ولی دوام چندانی نیاورد. کسی چنین توان وجراتی رادرخودنمی دید که نسبت به این مسئله بطورجدی اعتراض کند.

تحرکات سپاه پاسداران واظهارات فرمانده آن درهمین محدوده باقی نمانده وبه همان مقطع انتخابات محدودوخلاصه نشده است. ماه گذشته نیز محسن رضائی چندین نوبت وازجمله درجمع چهل هزارنفره نیروهای سپاه وبسیج درتبریزکه در مانوری باعنوان میثاق بارهبری شرکت جسته بودند ونیزدرمانور مشابهی درتهران که پنجاه هزارنفرازاین نیروهادر آن شرکت داشتندحضوریافته وبه ایراد سخن رانی پرداخت. محسن رضائی دراین سخنان ضمن آنکه از" تهاجم فرهنگی" بعنوان مشکل مرحله فعلی انقلاب اسلامی یادنمود، دراظهارنظر نسبت به مسائل مختلف مملکتی تاآنجاپیش رفت که حتی درمورد"معماری اصیل اسلامی" هم نظرداد. شهردارتهران رانیز بباد انتقادگرفت وبه دانشگاهها نیز ایرادنمودکه چراوقتی مامعماری اسلامی داریم عده ای دنبال معماری آمریکائی وغربی میباشند. وی گفت که اوضاع نه فقط درزمینه معماری ، بلکه درزمینه اقتصاد، صنعت وتکنولوژی هم برهمین منوال است.رضائی درادامه سخنان جانبدارانه اش درمزمت پاره ای سیاستهاومقامات دولتی، ضمن اشاره به مسئله سازندگی گفت" اینجاجائی است که بایدبسیاراعتقادی وارزشی عمل کنیم

صفحه ۱۴

از غرفه سازمان در شبکه جهانی اینترنت دیدن کنید

اگر شما به نحوی از انحاء به شبکه جهانی اینترنت دسترسی دارید، از این پس نشریات ودیگر اسناد سازمان به زبانهای فارسی، انگلیس وفرانسه نیز بر روی اینترنت در دسترستان خواهد بود. علاوه براین میتوانید با استفاده از پست الکترونیک(E - mail) با سازمان تماس بگیرید.

از غرفه سازمان در شبکه جهانی اینترنت دیدن کنید وآدرس آنرا در اختیار دیگران نیز بگذارید.

نشانی سازمان بر روی اینترنت :

http://www.fadaii-minority.org

پست الکترونیک (E - mail):

info @ fadaii - minority.org

برای ارتباط با سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اقلیت)، نامه‌های خود را در دو نسخه جداگانه برای دوستان وآشنایان خود در خارج از کشور ارسال و ازآنها بخواهید نامه‌هایتان را به آدرس زیر پست کنند.

Postfach 5312
30053 Hannover
Germany

کمکهای مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریزو رسیدآنرا به همراه کد مورد نظر به آدرس سازمان ارسال نمائید.

I.W.A.
6932641 Postbank
Holland

KAR Organisation Of Iranian People's Fedaii Guerrillas (Minority)
No. 294 , OKT 1996

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق